

## قیام فراموش شده

«جستارهایی پیرامون قیام ۱۷ خرداد سال ۱۳۵۴ فیضیه»

دکتر سید حمید روحانی<sup>۱</sup>

### اوضاع ایران در دهه ۵۰

وقتی طرح حکومت اسلامی امام در سال ۱۳۴۸ در قالب یک نظریه منسجم و بدیل نظام پادشاهی مطرح شد، روحانیان مبارز حوزه‌های اسلامی نیز بیش از گذشته ایده و انگیزه براندازی را جدی گرفتند. حمله به شخص شاه در اعلامیه‌ها و تظاهرات روحانیان و طلاب - به رغم خفقان حاکم - بیش از گذشته مطرح و دنبال شد و این در شرایطی بود که هرگونه نیش و طعنه و گوشه و کنایه به شاه، در حکم انتحار بود و کسانی که در اعلامیه‌ها و نوشته‌های خود شاه را مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دادند، در واقع حکم اعدام خود را امضاء می‌کردند. حماسی‌ترین و توفانی‌ترین خیزش و خروش ملت ایران در نفی نظام پادشاهی در خرداد ۱۳۵۴ در فیضیه قم روی داد. در این قیام خونین که در تاریخ‌نگاری دوران معاصر به کلی فراموش شد، طلاب و روحانیان با شعارهایی انقلابی و بنیان‌افکن از جمله مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، از پهلوی بیزاریم و... به

۱. این مقاله در فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۲۷، بهار ۹۰ به چاپ رسیده است.





تظاهرات دست زدند و رژیم شاه را به چالش کشیدند.

حرکت رعدآسای فیضیه در خرداد ۵۴ و متعاقب آن نگارش پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این سال، از یک سو ریشه در طرح حکومت اسلامی امام داشت که در آن رژیم شاهنشاهی، ناهمگون با اصول اسلامی نشان داده شده بود و از سوی دیگر این حرکت پیش زمینه طرح انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ بود و می توان گفت شعارهای انقلابی و ضدشاهی طلاب در مراسم یادبود شهیدان ۱۵ خرداد، جرئت و جسارت مردم را برای دست زدن به این گونه شعارهای ضدشاهی و طرح نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۶ فراهم کرد و این خیزش حماسی را گسترش داد و انقلاب آفرید. دهه ۵۰ با یک سلسله دگرگونی ها، نقشه ها و برنامه های از پیش تعیین شده همراه بود؛ رژیم شاه از یک سو با به راه انداختن سیرک های میان تهی، به ویژه جشن های پرهزینه و خانمانسوز دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی و فراخوانی سران فزونخواه و تجاوزگر جهان به این سیرک دل آزار، کوشید تا ناله جانسوز مردم رنج دیده، گرسنه، نادار و بیمار را در میان لهله های مستانه نفتخواران جهانی و شادخواران و فزونخواهان بین المللی و حرامیان درباری، خاموش سازد و به دنیا چنین بنمایاند که ملت ایران در اوج رفاه و توانگری، جز ولنگاری، پایکوبی، دست افشانی، چراغانی، عیش و نوش و شادی و... کاری ندارد! و از سوی دیگر با پایان دادن به حزب های ساختگی رنگارنگ و ایجاد حزبی به نام رستاخیز کوشید خفقان حاکم بر ایران را استواری بخشد، جو پلیسی را گسترش دهد، نفس را در سینه ها خفه سازد، قلم ها را بشکند و رخصت نفس کشیدن را از هم وطنان ایرانی بگیرد. از این رو، در پی برپایی حزب رستاخیز، جو پلیسی و خفقان در کشور شدت یافت. زندان ها از آزادیخواهان آکنده شد، شکنجه های توانفرسا، کشتن بی گناهان در زیر شکنجه در سلول های زندان، سر به نیست کردن برخی از زندانیان، تبعید شماری از عالمان مجاهد روحانی و بازداشتن شماری از گویندگان و سخنوران مبارز از سخنرانی، روز به روز فزونی یافت. طبق گزارش ساواک از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۵ یکصد و دوازده تن از روحانیان «ممنوع المنبر» شدند. لیکن باید دانست که شمار روحانیان زندانی، همزمان با برپایی حزب رستاخیز و به دنبال تشکیل این حزب کم تر از روحانیان ممنوع المنبر نبوده است.<sup>۱</sup>

دستگاه جاسوسی و امنیتی شاه برای پیاده کردن این سیاست شوم و مرگبار بسان اینکه «سنگ را بسته و سگ را رها کرده» دیرزمانی از برپایی حزب رستاخیز و نیز

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

همزمان و پس از آن، مبارزان روحانی را یا به زندان و تبعید گسیل داشتند و یا از سخنرانی و منبر رفتن بازداشتند، قلم‌ها را شکستند، دهان‌ها را بستند، خفقان را بیش از پیش استواری بخشیدند و زندان‌ها را از مبارزان روحانی و دیگر آزادی خواهان اسلامی و نیروهای مردمی آکنده ساختند. نگارنده با پیگیری‌ها و بررسی‌هایی نام شماری از روحانیان زندانی در دهه ۵۰ و در آستانه برپایی حزب رستاخیز و نیز پس از تشکیل آن حزب را به دست آورده است که در پی می‌آورد:

سیدعلی خامنه‌ای - شیخ مهدی شاه‌آبادی - شیخ عباس طبسی - هاشمی نژاد - محمد مفتاح - شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی - محمدعلی گرامی - سیدهادی خامنه‌ای - محمد حکیمی - فاکر خراسانی - شیخ مهدی ربانی املشی - سید مهدی طباطبایی - علی غفوری - انصاری قزوینی - زین‌العابدین حقانی - لاهوتی - موحدی قمی - عرفا شیرازی - حسین طارمی - جعفری گیلانی - عبدالمجید معاد یخوآه - محصل یزدی - محمد حجازی - اسدی خراسانی - کرباسچی - احمد فاضل زاده - مهدی کروبوی - شیخ جواد نوروزی - سید جلال طاهری - کلانتر - عباسی - امید نجف‌آبادی - شجاعی زنجانی - یزدانی اصفهانی - موسوی زنجانی - الهی تهرانی - اکبر معینی - محسن اسلامی - عبدالرضا حجازی - ایوبی - حسین هاشمیان - شیخ نصرالله صالحی - کرباسچی - سید اکبر موسوی اصفهانی - شیخ قدرت‌الله علیخانی - شیخ جواد نوروزی - سیدهادی هاشمی - جلال گنجه‌ای - سید کاظم زنجانی - غلامحسین نادری - شفیعی خلخالی - اسلامی خراسانی - شکری - سلیمان حیدری - سیف‌الدین محمدی زنجانی - حسین بهرامی - ابراهیم سلکی - عبدالله غفوری - محمد محسنی رفسنجانی - حجت‌الله حاجی‌پور - کاظم میرصادقی - احمد رحمانی - سیدرضی حسینی - سید عبدالوهاب موسوی - صدرالدین خلخالی - علی کشانی - شیخ حسن ارمی خراسانی - رضی‌الله سعادت - متبحری - صادقی - محقق - شیخ محمد واعظی و...

رژیم شاه در راستای سیاست سرکوب و تشدید خفقان و گسترش هراس و بیم در میان مردم، شماری از سخنوران روحانی و عالمانی دینی را به شهرهای بد آب و هوا تبعید کرد. ساواک در لیست خود تنها نام‌های یازده تن از روحانیان تبعیدی را آورده و چنین وانمود کرده است که شمار تبعیدی‌ها در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال‌های پیش از آن کاهش داشته است،<sup>۱</sup> لیکن نگارنده در بررسی‌های خود نام بیش از سی تن از روحانیان را به دست آورده است که در سال یادشده در تبعید به سر می‌برده‌اند؛ نام روحانیان تبعیدی

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

حماسی ترین و توفانی ترین خیزش و خروش ملت ایران در نفی نظام پادشاهی در خرداد ۱۳۵۴ در فیضیه قم روی داد. در این قیام خونین که در تاریخ نگاری دوران معاصر به کلی فراموش شد، طلاب و روحانیان با شعارهایی انقلابی و بنیان افکن از جمله مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، از پهلوی بیزاریم و... به تظاهرات دست زدند و رژیم شاه را به چالش کشیدند

در پی می آید:

شیخ محمدفاضل قفقازی - شیخ علی مشکینی - سیداسدالله مدنی - شیخ حسینعلی منتظری - شیخ احمد جنتی - شیخ ابوالقاسم خزعلی - شیخ محمد مؤمن قمی - شیخ محمدرضا مهدوی کنی - سید محمدصادق لواسانی - شیخ علی اصغر مروارید - شیخ محمد محفوظی - شیخ محمد یزدی - شیخ محمدصادق تهرانی - شیخ مهدی ربانی املشی - راشد یزدی - شیخ صادق خلخالی - سید علی غیوری - شیخ محمد امامی کاشانی -

شیخ غلامرضا گلسرخی - صالحی نجف آبادی - شیخ حسن صانعی - شیخ مجتبی حاج آخوند - سید محمد صالح طاهری - عندلیب همدانی - احمد منتظری - علی اصغر احمدی - عبایی - مولانا - عبدالعلی کنی - محمد نوری زاده - جهانبخش تعمیر کاری - جعفر گلستانه - رمضان جنتی - احمدی خمینی

این تنها روحانیان مبارز و عالمان مجاهد نبودند که از سوی رژیم شاه به زندان ها و تبعیدگاه ها گسیل می شدند و زیر فشار قرار می گرفتند، بلکه بسیاری از مبارزان دین باور و زنان و مردان مسلمان دلاور و جوانان فداکار دانشگاهی، بازاری، کارگر و کشاورز نیز در زندان های شاه زیر سخت ترین فشارها و شکنجه ها قرار داشتند. رژیم شاه برای خاموش کردن صداهای انقلابی و آزادیخواهی به هر جنایتی دست می زد، دستگیری های دسته جمعی مانند دستگیری بیش از ۲۰۰ نفر در آبادان، نزدیک ۲۰۰ نفر در نهاوند، ۶۰ نفر در دزفول، شمار زیادی در اصفهان و اهواز، تیرباران ۹ نفر از زندانیان سیاسی در تهران و... از کارنامه های رژیم پهلوی در دوران سیاه برپایی حزب رستاخیز بود، تا ایران را به ویرانه های جغدنشین بدل سازد و صدای مخالف را برای همیشه خاموش سازد، لیکن به رغم این جنایت ها و بی فرهنگی آن رژیم می بینیم که پیروان راستین راه امام و راه عاشورا نه تنها یک گام پس نرفتند، آرام ننشستند از مبارزه باز نماندند، بلکه با استواری، پایداری و سرسختی مبارزه را پی گرفتند و پیش تاختند؛ به ویژه اینکه امام در طرح حکومت اسلامی از همگان خواسته بود آرام و بی تفاوت نماند:

... شما که قدرت ندارید جلوی این اعمال را بگیرید و این مفاسد را

دفع نمایید، اقلأ ساکت ننشینید، تو سر شما می‌زنند داد کنید، انظلام نکنید. انظلام (تن به ظلم دادن) از ظلم بدتر است، بگویید، انکار کنید، فریاد بزنید. باید در مقابل دستگاه آنها یک دستگاه هم این طرف باشد و هر چه به دروغ می‌گویند تکذیب کند، بگوید دروغ است، عدالت اسلامی این نیست که آنها ادعا می‌کنند... برنامه‌های اسلامی غیر از این است که آنها دارند.<sup>۱</sup>

امام در پی طرح حکومت اسلامی در بهمن ماه ۱۳۴۸، در بیشتر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود شخص شاه و رژیم پادشاهی را مورد حمله قرار می‌داد و روی ناهمگونی نظام پادشاهی با اصول اسلام تأکید می‌کرد. این موضع روشن و قاطع امام، مردم ایران و مجاهدان روحانی را در مبارزه بر ضد رژیم شاه استوارتر و پابرجاتر می‌ساخت.

امام در پیام خود به زائران خانه خدا در بهمن ماه ۱۳۴۹ آشکارا و با صراحت اعلام کرد: ... اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است. هر کس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می‌فهمد اسلام آمده است این کاخ‌های ظلم شاهنشاهی را خراب کند. شاهنشاهی از کثیف‌ترین و ننگین‌ترین نمونه ارتجاع است...<sup>۲</sup>

امام در سخنرانی خود بر ضد جشن دوهزار و پانصدساله رژیم پادشاهی در ایران، در تیرماه ۱۳۵۰ نیز اظهار کرد:

... شاهنشاهی ایران از اولی که زاییده شده است تا حال روی تاریخ را سیاه کرده است، جنایات شاه‌های ایران روی تاریخ را سیاه کرده است... مسلمین عار دارند از این شاهنشاهی...<sup>۳</sup>

امام در پیام خود به ملت ایران در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۵۲ هشدار داد:

... من از این خدمتگزار بی‌چون و چرای امریکا برای جهان اسلام احساس خطر می‌کنم... اینجانب کراًراً خطر اسراییل و عمال آن را که در رأس آنها شاه ایران است، گوشزد کرده‌ام. ملت اسلام تا این جرثومه فساد را از بن نکنند، روی خوش نمی‌بینند و ایران تا گرفتار این دودمان

۱. حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، درس ۱۱، ص ۴۴.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۶۳.



ننگین است روی آزادی نخواهد دید...<sup>۱</sup>

در پیام امام بر ضد حزب رستخیز در تاریخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۳ آمده است:

... مردم محروم این کشور مجبورند موافقت خود را با نظام شاهنشاهی اعلام کنند، نظام پوسیده‌ای که از نظر اسلام مردود و محکوم به فناست... مردم مسلمان ایران مجبورند در برابر شاهی سر تسلیم فرود آورند که دستش تا مرفق به خون علمای اسلام و مردم مسلمان آغشته است...<sup>۲</sup>

این رهنمودها، روشنگری‌ها و هشدارها، در انگیزختن توده‌ها بر ضد رژیم شاه و اوج بخشیدن به مبارزه برای براندازی و شکست جو خفقان نقش بسزایی داشت. پیروان راستین امام، به‌ویژه مبارزان روحانی در راه پیشبرد نهضت اسلامی و رویارویی با رژیم شاهنشاهی و خروش و خیزش در راه برپایی حکومت اسلامی، بیش از پیش به فداکاری، ایثارگری و از خودگذشتگی دست می‌زدند و توطئه رژیم شاه را در استقرار حکومت وحشت و ترور، در هم می‌شکستند و آتش نهضت و مبارزه را فروزان‌تر می‌ساختند. از این رو، می‌بینیم در خردادماه ۱۳۵۴ به‌رغم اینکه صدها تن از مبارزان روحانی در زندان و تبعید به سر می‌بردند و از سخنرانی و منبر رفتن بازداشته شده بودند، بزرگداشت سالگرد ۱۵ خرداد، در قم با ویژگی‌های بی‌مانندی برگزار شد و حماسه تاریخی آفرید.

## فریادگران ۱۷ خرداد ۵۴

مبارزان روحانی و محصلین علوم اسلامی که در خردادماه ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه به سوگ شهیدان ۱۵ خرداد ۴۲ نشستند، تنها هدفشان، گرامیداشت آن روز تاریخی نبود؛ نمی‌خواستند - همانند سال‌های پیشین - تظاهراتی برپا کنند و به یاد شهیدان آن روز، شعارهایی سردهند و پراکنده شوند، بلکه بر آن بودند تا با الهام از مکتب امام و به پیروی از رهنمودها، ایده‌ها و اندیشه‌های آن رهبر کبیر جو خفقان باری را که در آسمان ایران پایدار بود، در هم بشکنند. نام و یاد ۱۵ خرداد همیشه سرچشمه خروشان نفرت ملت ایران از شاه و نظام پادشاهی بود.

شادروان شیخ احمد کربوبی که یکی از مبارزان پاکبخته و عالم وارسته شهرستان الیگودرز بود، چند روز پیش از فرارسیدن ۱۵ خرداد ۵۴ به قم آمد و در برخی از مجالس خصوصی و نیمه‌عمومی درباره امام، ۱۵ خرداد و بایستگی برپایی حکومت اسلامی و

۱. همان، ج ۳، ص ۷.

۲. همان، ص ۷۲.



واژگونی رژیم شاه سخنانی بر زبان آورد و در مدرسه فیضیه، در جمع طلاب و روحانیان نیز پیرامون غیرقانونی بودن نظام پادشاهی و ساختگی بودن حزب رستاخیز و بایستگی تلاش و کوشش در راه برپایی حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی سخنرانی کرد و روی هدف استقرار حکومت اسلامی تأکید ورزید. او پس از دستگیری نیز در بازجویی‌ها به برنامه‌های روشنگرانه خود در قم اذعان کرد و آن را مورد تأیید قرار داد. در بولتن ساواک درباره شیخ احمد کربوبی چنین گزارش شده است:

... متهم یادشده بالا در بازجویی‌های معموله عضویت و فعالیت خود را در احزاب و گروه‌های مذهبی و سازمان‌های وابسته به آن انکار و ضمن تأیید اعمال اقدامات گروه به اصطلاح مجاهدین خلق اظهار میدارد: چون دستگاه فعلی، جبار است و به هیچ‌وجه عدالت اجتماعی در ایران وجود ندارد بنابراین معتقدم که می‌بایستی حکومت اسلام جایگزین رژیم سلطنتی گردد. البته تنها فردی که بتواند چنین نظریه‌ای را در ایران اجرا نماید روح‌الله خمینی است [و] اضافه می‌نماید چون به این نظریه عقیده راسخ دارم لذا تصمیم گرفتم مطالبی جهت طلاب و مردم اظهار نمایم تا در نزد خدا مسئول نباشم. بنابراین پس از ورود به قم نزد آیت‌الله گلپایگانی رفتم و پس از تعارفات معموله به ایشان و افرادی که در آنجا بودند گفتم در ۱۵ خرداد ۴۲ به عناوین مختلف از خمینی پشتیبانی نمودید و پس از تبعید او خاموش شدید، نفاق را کنار بگذارید. درباریان به شما خیانت می‌کنند...





وی می‌افزاید یک هفته در قم بودم شب‌ها را در حجرات مدارس می‌گذراندم و روزها در مدرسه فیضیه برای طلاب و مردم مطالبی درباره روز ۱۵ خرداد و عقاید خمینی اظهار می‌کردم، تا اینکه قبل از تظاهرات ۱۵ خردادماه سال ۲۵۳۴ در مدرسه فیضیه سخنرانی جامعی کردم... و اضافه می‌کند در مورد رستاخیز نیز اظهاراتی کردم و سرانجام از آنان خواستم پافشاری نمایند تا عدالت اجتماعی بشری و حکومت اسلامی به وجود بیاورند...<sup>۱</sup>

ساواک در گزارش دیگری از ایده و اندیشه شادروان شیخ احمد کروی چنین گزارش داده است:

... در ساعت ۱۷:۱۵ مورخه ۳۶/۱۰/۲۶ شیخ احمد کروی در منزل خود واقع در الیگودرز اظهار داشت به همه مردم و دستگاه‌های امنیتی ثابت شده که من مردی هستم مؤمن و معتقد به مبانی دین مقدس اسلام و قرآن مجید و مردی هستم مبارز و دوست‌دار مردم، حق‌گو و حق‌پرست و مخالف با زمامداران و سلاطین، مخالف با رژیم فعلی مملکت، دوست دارم حکومت ما حکومت اسلامی باشد. من پیرو دستورات آیت‌الله خمینی که رادمردی است دین‌دار، می‌باشم...<sup>۲</sup>

طلاب و روحانیانی که در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ به تظاهرات دست زدند افزون بر اینکه از موضع ضد سلطنتی امام و پافشاری او روی برپایی حکومت اسلامی الهام گرفته و با روحیه انقلابی و ضدشاهی به خروش و خیزش برخاسته بودند، از سخنرانی‌های تند و توفنده و انقلابی شادروان شیخ احمد کروی نیز تأثیر بسزایی گرفته بودند و با هدف مبارزه با رژیم شاه در راستای برپایی حکومت اسلامی در عصر روز پنج‌شنبه ۱۵ خرداد ۵۴ در مدرسه فیضیه به تظاهرات دست زدند و به یاد شهیدان آن روز تاریخی به سوگ نشستند و اعلام عزا کردند. در این مراسم تنی چند از روحانیان پیرامون کشتار ۱۵ خرداد و پایداری حماسی مردم و پشتیبانی بی‌دریغ آنان از مقام ولایت و مرجعیت سخن گفتند و به دنبال آن تظاهرات آغاز شد. طلاب مبارز در پشتیبانی از امام و شهیدان و بر ضد شاه و حاکمان طاغوتی شعارهایی سردادند. برخی از شعارها چنین بود:

خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو - بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۸۲۱ - ۳۱۱، ص ۳-۲.

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



حرکت رعد آسای فیضیه در خرداد ۵۴ و متعاقب آن نگارش پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این سال، از یک سو ریشه در طرح حکومت اسلامی امام داشت که در آن رژیم شاهنشاهی، ناهمگون با اصول اسلامی نشان داده شده بود و از سوی دیگر این حرکت پیش زمینه طرح انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ بود

تو؛ خمینی بت شکن، اسلام تو را می خواهد- مرجع دور از وطن، ملت تو را می خواهد؛ درود بر خمینی بت شکن- لعنت بر این یزید قانون شکن؛ مرگ بر شاه مزدور؛ مرگ بر شاه قاتل؛ درود بر شهیدان؛ درود بر خمینی؛ درود بر سعیدی؛ ملت ما بیدار است- از پهلوی بیزار است.

تظاهر کنندگان کوشیدند که از فیضیه بیرون روند و تظاهرات را به خیابان های قم بکشانند،

لیکن نیروهای انتظامی که از پیش آماده شده بودند، با یورش خود تظاهر کنندگان را از پیشروی بازداشتند. در این تظاهرات چند تن از طلاب دستگیر شدند. رئیس ساواک قم به نام معینی طی گزارشی به تهران پیرامون تظاهرات روز ۱۵ خرداد ۵۴ در فیضیه چنین گزارش داده است:

...مقارن ساعت ۲۱.. روز جاری قریب ۵۰۰ نفر طلاب مدرسه فیضیه قم به مناسبت ۱۵ خرداد سال ۴۲ با دادن شعارهای توهین آمیز (شعارهای علیه مقامات عالییه مملکتی) به خاندان جلیل سلطنت در جلو درب ورودی مدرسه مذکور اجتماع نموده که پلیس با آب پاش آنها را متفرق و به داخل مدرسه رانده است. در حال حاضر کنترل محوطه خارج مدرسه را پلیس در اختیار داشته ضمناً منطقه ژاندارمری قم نیز به حالت آماده باش در آمده و آماده هر گونه کمک می باشد...

در زیر این گزارش پی نویسی شده است:

مراتب به عرض مقام مدیریت کل رسید فرمودند به دفتر ویژه اطلاعات و نخست وزیری منعکس شود.





پس از پایان نماز مغرب و عشا در مدرسه فیضیه به امامت آیت‌الله اراکی در شب جمعه ۱۶ خرداد طلاب مبارز بار دیگر با شعارهای انقلابی به تظاهرات دست زدند. تظاهرکنندگان که شمار آنها بیش از پانصد نفر برآورد می‌شد به سمت میدان آستانه حرکت کردند لیکن وقتی وارد میدان شدند، بار دیگر مورد یورش پلیس ضدشورش که با ماسک، باتوم، کپسول‌های گاز اشک‌آور، سرنیزه و دیگر سلاح‌های گرم و سرد مجهز بودند، قرار گرفتند. پلیس شاه وقتی با حمله بی‌رحمانه و با ماشین آب‌پاش و فشار آب و باتوم و سرنیزه نتوانست تظاهرکنندگان را به عقب‌نشینی وادارد، از کپسول‌های گاز اشک‌آور بهره‌گرفت و دو کپسول گاز میان تظاهرکنندگان افکند و بدین گونه راه را بر روحانیان بست و آنان را به عقب‌نشینی و بازگشت به صحن فیضیه ناگزیر ساخت.



روحانیان و طلاب که از تظاهرات خیابانی بازداشته شده بودند، بر آن شدند با بلندگو و از راه بام فیضیه و دو پنجره‌ای که از مدرسه به میدان آستانه باز می‌شد صدای خود را به گوش مردم قم و هزاران تن از زائرانی که در شب جمعه در قم به سر می‌بردند برسانند و تظاهرات را اوج بخشند. شماری از طلاب با گردهمایی در بام فیضیه به شعارهایی انقلابی و ضدشاهی دست زدند. شعارهای مرگ بر شاه قاتل، مرگ بر شاه مزدور، ملت ایران بیدار است - از پهلوی بیزار است و... برای مردم و زائرانی که از میدان آستانه و خیابان‌های پیرامون فیضیه گذر می‌کردند، گیرایی ویژه‌ای داشت. چه بسا تا آن روز چنین شعاری هیچ‌گاه به گوش مردم نخورده بود. بسیاری از رهگذران در کناره‌ها و پیرامون فیضیه



گرد آمده بودند و به این شعارها گوش فرامی دادند و گاهی با صلوات تظاهر کنندگان را همراهی می کردند. بایسته یادآوری است که شماری از طلاب که منزل و شاید زن و فرزند داشتند و نیز یک نفر کارمند صنایع هواپیمایی که برای زیارت به قم رفته بود و در تظاهرات فیضیه شرکت داشت از در فرعی فیضیه بیرون رفتند، لیکن در راه توسط مأمورانی که فیضیه را محاصره کرده بودند و زیر کنترل داشتند، دستگیر شدند. نام‌های ۲۲ نفر آنان در گزارش شهربانی، به این شرح آمده است:

۱- عباس حسینی فرزند ابراهیم ۲- سید محمود دریابادی فرزند علی ۳- احمد محدث فرزند حسین ۴- سید محمد هادی ناجی فرزند حسین ۵- سید مصطفی شریفی فرزند سید عبدالحسین ۶- علی اصغر شمس آبادی فرزند محمدرضا ۷- غلامرضا رضایی فرزند محمد ابراهیم ۸- اسلام الدین رستگار فرزند احمد ۹- محمد علی بخشی فرزند قربانعلی ۱۰- علی محمد حسینی فرزند محمد ۱۱- محمد تقی متقی فرزند حسینعلی ۱۲- نبی الله ابراهیم زاده فرزند محمدرضا ۱۳- سید علی میردیلمی فرزند سید حبیب الله ۱۴- محمود برازنده فرزند علی اکبر ۱۵- احمد عابدی فرزند عباسعلی ۱۶- کمال الدین ادیب فرزند علی اکبر ۱۷- ابوالفضل حسینی فرزند افضل ۱۸- محب علی انصاری فرزند علی ۱۹- جواد حبیبی فرزند فضل الله ۲۰- حسین خدادادی فرزند محمد ۲۱- الله رحم غلامنژاد فرزند غلام عباس ۲۲- صادق ترکمانی فرزند حاج علی (زائر) کارمند شرکت هواپیمایی...<sup>۱</sup>



۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

امام در پی طرح حکومت اسلامی در بهمن ماه ۱۳۴۸، در بیشتر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود شخص شاه و رژیم پادشاهی را مورد حمله قرار می‌داد و روی ناهمگونی نظام پادشاهی با اصول اسلام تأکید می‌کرد

رئیس ساواک قم به نام معینی در گزارشی به تهران از تظاهرات طلاب در غروب روز ۱۵ خرداد، چنین گزارش داده است:

... ساعت ۲۰۰۰ روز جاری حدود ۲۰۰ نفر از طلاب مدرسه فیضیه قم با دادن شعار توهین‌آمیز به خاندان جلیل سلطنت جلو درب ورودی مدرسه مذکور اجتماع که با دخالت مأمورین

شهربانی به داخل مدرسه رانده شدند<sup>۱</sup> و هم‌اکنون از داخل پنجره‌های مدرسه همچنان به دادن شعار و پرتاب سنگ به طرف مأمورین ادامه می‌دهند. ضمناً طلاب مدرسه خان نیز از بالای بام، با دادن شعارهای درود بر خمینی به طرف مأمورین سنگ پرتاب که با استقرار مأمورین روی بام مدرسه مورد بحث، موضوع فیصله یافته است. علی‌هذا پیش‌بینی می‌شود این تظاهرات در روزهای آینده با شدت بیشتری ادامه یابد. لذا چنانچه دستوری در این مورد از طریق مرکز می‌باشد مراتب را اعلام تا به مورد اجرا گذارده شود. ضمناً تا این ساعت سه نفر از تظاهرکنندگان به شرح زیر دستگیر شدند: ۱- رجبعلی ملکیان فرزند حسین ۲- محمد نادری فرزند نادر علی ۳- سیدصدرالدین موسوی فرزند سید سخاء‌الدین...



۱. ساواک قم در گزارش دیگری شمار تظاهرکنندگان را «قریب ۵۰۰ نفر» برآورد کرده است.

شماره ۸ - ۲۱ هـ  
 ۵۸ - ۶۸ هـ  
 ۵۸

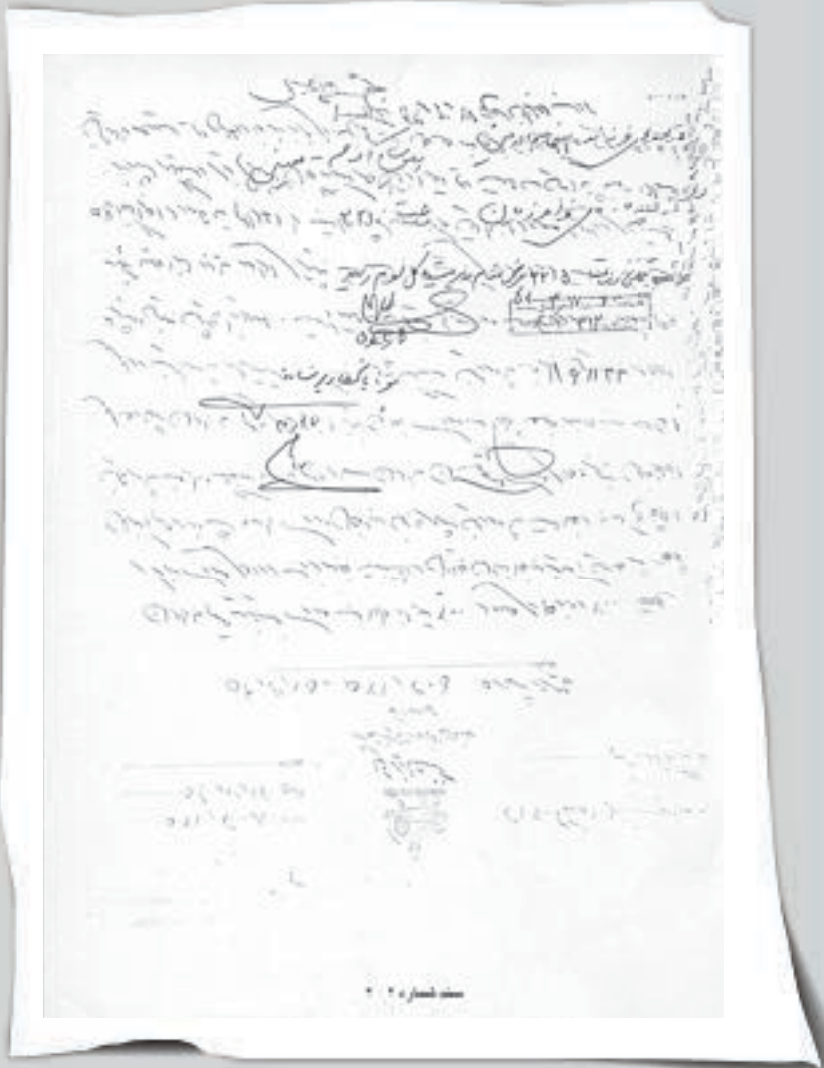


مجله علمی ادبی و تاریخی  
 شماره ۲۱ - ۵۸ هـ

شماره ۲۱، ۵۸ هـ - ۱۵، ۴۰ هـ

مجلس ۲۰۰ روزگار خود در ۲۰۰ کتاب و کتاب مدرسه تصدیق هم با اولاد  
 شده بود همین آینه به عنوان جعل و تقلید بود و در این دوره مدرسه بود که  
 اجتماع کرد و فعالیت نامردان شهره می بردن و مدرسه را نه شده و هم اکنون  
 از داخل بنجر و خاک مدرسه همین که با اولاد شهرت و شهرت سنگ بلوف نامردان  
 و نامه می دهند حرف کتاب مدرسه همان نیز از جلا می آید و اولاد شده حاصل  
 مدرسه با همین بلوف نامردان سنگ چرخ نامردان که دستگیر نامردان بود  
 هم مدرسه مدرسه علت موهبت و موهبت با موهبت . موهبت این موهبت  
 از این کتاب ها در روزگار مدرسه با موهبت شهرت اولاد باید که از این موهبت  
 شده مدرسه این موهبت از طریق مدرسه موهبت را اعلام نامردان مدرسه از راه  
 شده موهبت این موهبت می تواند موهبت موهبت شهرت از این موهبت شده  
 در موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت  
 موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت موهبت

شماره ۱-۲



مبارزان روحانی و محصلین علوم اسلامی که در خردادماه ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه به سوگ شهیدان ۱۵ خرداد ۴۲ نشستند، بر آن بودند تا با الهام از مکتب امام و به پیروی از رهنمودها، ایده‌ها و اندیشه‌های آن رهبر کبیر جو خفقان‌باری را که در آسمان ایران پایدار بود، در هم بشکنند

شهربانی قم در گزارش خود شمار دستگیرشدگان در روز ۱۶ خرداد را پنج نفر نوشته و افزون بر سه نفری که نامشان در گزارش ۵۴/۳/۱۶ ساواک آمده است، دو نفر دیگر را سید محمدصادق احمدی فرزند سید مهدی و علیرضا محبتی فرزند ابراهیم نام برده است.<sup>۱</sup>

ساعت ۹ صبح روز جمعه ۱۶ خرداد، در مدرسه فیضیه باز شد و رفت و آمد به مدرسه به حال عادی درآمد؛ لیکن پارک ماشین‌های پلیس و آتش‌نشانی در برابر مدرسه فیضیه و صف‌آرایی نیروهای انتظامی

و مأموران مجهز به ماسک، سپر، باتوم، مسلسل دستی، کپسول گاز اشک‌آور و... پیرامون فیضیه، میدان آستانه و صحن مطهر حضرت معصومه (ع) نشان از ناآرامی‌ها می‌داد و دید رهگذران را به خود جلب می‌کرد. درون فیضیه نیز شعارهایی انقلابی به رنگ قرمز و با خط درشت روی دیوارها و پارچه‌های سفیدی که بر دیوار نصب شده بود به چشم می‌خورد. عکس بزرگی نیز از امام بالای در کتابخانه، دیدگان را به خود جلب می‌کرد. روی پارچه بزرگی که بر دیوار فیضیه نصب شده بود این شعار دیده می‌شد: «۱۵ خرداد سالروز قیام امام خمینی را گرامی می‌داریم.» تظاهرکنندگان فیضیه در ساعت‌هایی که رفت و آمد به فیضیه به شکل عادی ادامه داشت، می‌توانستند از این مجال بهره گیرند و از صحنه بگریزند، لیکن آنان بر آن بودند که صدای اعتراض خویش را در آسمان ایران طنین‌انداز سازند و این رسالت، به پایداری، ایستادگی و جانفشانی نیاز داشت و نمی‌بایست برنامه‌ها را نیمه‌کاره رها کنند؛ افزون بر این ساواک به وسیله عوامل نفوذی و از راه عکسبرداری از گلدسته حرم توانسته بود، روحانیان فعال و پرکار در این تظاهرات را شناسایی کند و آن گاه که یکی از آنان از مدرسه بیرون می‌آمد، بی‌درنگ دستگیر می‌شد. چنانکه در صبح این روز (۱۶ خرداد) ۵ نفر از مبارزان روحانی - که به نامشان اشاره شد - به دنبال بیرون آمدن از مدرسه فیضیه دستگیر و به شهربانی گسیل شدند. ساواک بر آن بود تظاهرکنندگان را بدون هجوم به فیضیه یکی پس از دیگری در بیرون از مدرسه شکار کند و به زندان و شکنجه‌گاه بکشاند. مقامات رژیم از هجوم به فیضیه و بازتاب آن در میان مردم، سخت هراسان بودند؛ از این رو، تلاش داشتند تظاهرکنندگان

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



را با حيله و نيرنگ و تهديد و نويد از مدرسه فيضيه بيرون بياورند و به تحصن آنان بي سروصدا پايان دهند و در بيرون مدرسه به حسابشان برسند. روحانيان تظاهر کننده كه به اين نقشه و نيرنگ به درستي پي برده بودند، با سرسختي و هوشياري در برابر آن ايستادند و به برنامه هاي انقلابي خود ادامه دادند.

در ظهر روز ۱۶ خرداد بار ديگر شعارهاي انقلابي از بلندگوي فيضيه در آسمان قم طنين افكند. شعارهاي الله اكبر، درود بر خميني، مرگ بر شاه مزدور، مرگ بر شاه قاتل، ملت ما بيدار است - از پهلوي بيزار است، خميني بت شکن - ملت طرفدار تو، مرگ بر حزب رستاخيز و... لرزه بر اندام دژخيمان و مزدوران رژيم شاه انداخت و مردم قم، رهگذران و زائران را به گردهمائي پيرامون فيضيه كشاند. نيروهاي شهرياني و ساواک از گردهمائي هاي مردم نگران شده بودند؛ به ويژه اينكه ميديدند مردم با فرستادن صلوات با تظاهر کنندگان همراهي ميکنند. از اين رو، از هر سو به مردم يورش بردند و كوشيدند آنان را پراكنده كنند.

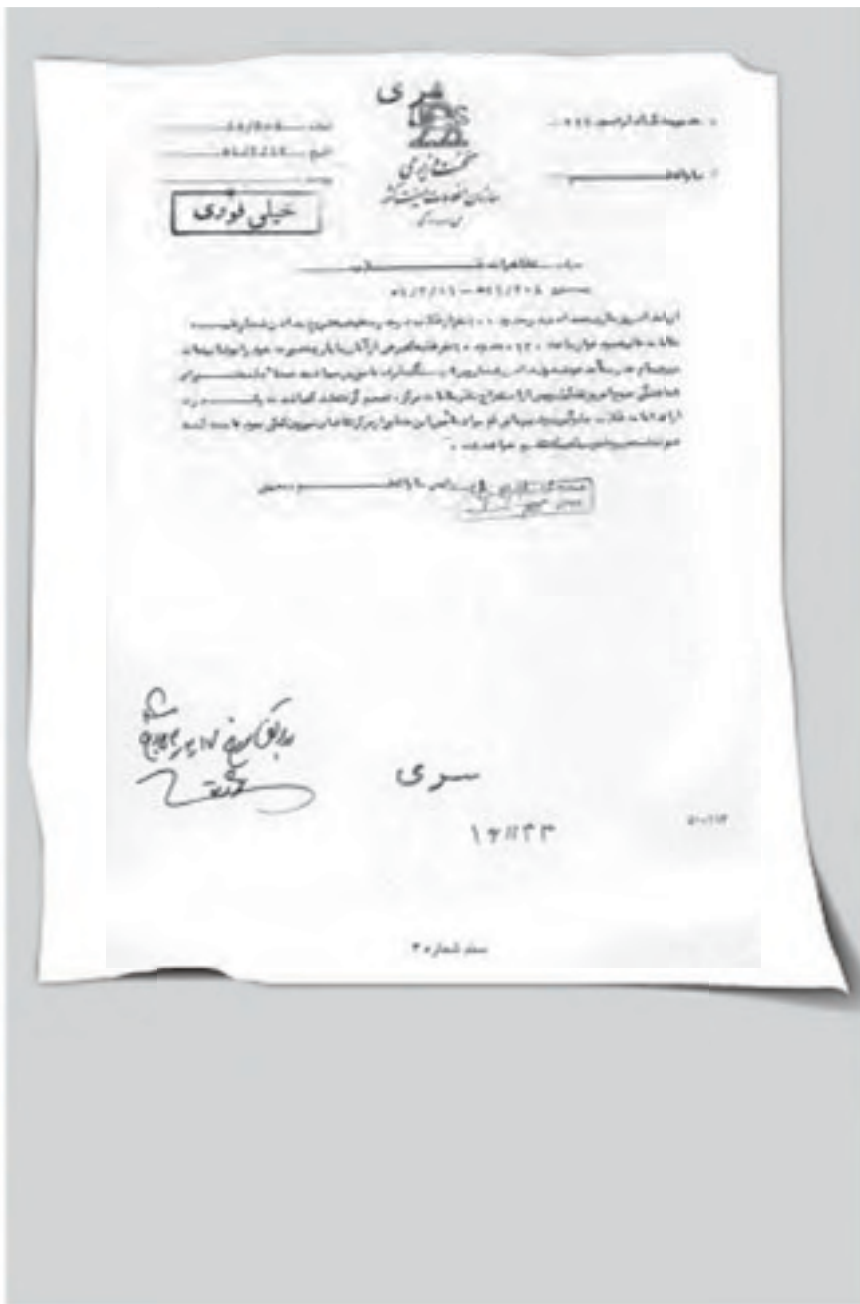
تظاهر کنندگان در شب ۱۷ خرداد بار ديگر با يك حرکت ناگهاني از مدرسه بيرون آمدند و با شعارهاي مرگ بر شاه و درود بر خميني تا ميدان آستانه پيش رفتند كه با يورش پليس و مأموران ساواک روبه رو شدند. تظاهرات توفنده و رعدآساي طلاب از بام فيضيه، مردم قم و زائران و مسافران را سيل آسا به سوي آن صحنه كشانيد.

انبوهي از مردم در خيابان هاي آستانه، چهارمردان، ارم، اراك گردآمده و به تماشا ايستاده بودند. فرياد رعدآساي مرگ بر شاه قاتل، براي مردم تازگي داشت و نيز با شنيدن نام «خميني» ياد آن مرجع تبعيدي در دل آنان زنده مي شد؛ مردم با شنيدن نام امام بي اختيار صلوات مي فرستادند، سوت و كف مي زدند و ابراز احساسات مي كردند. پليس شاه كه از اين واكنش مردم، دچار وحشت و دلهره شده بود، و حشيانه به سمت مردم يورش برد و تلاش كرد آنها را پراكنده كند، ليكن مردم از صحنه دور نمي شدند و بدين گونه جنگ و گريز ميان مردم و پليس تا نيمه شب ۱۷ خرداد ادامه يافت.

در روز ۱۷ خرداد صدها كماندو و چتر باز از گارد شاه همراه با چند دستگاه بالگرد وارد قم شدند و پيرامون فيضيه پابرجا ايستادند. ساواک قم در اين روز، در گزارشي به تهران اعلام کرده است:

... از بامداد روز جاري تعدادي در حدود ۱۰۰ نفر از طلاب در مدرسه فيضيه شروع به دادن شعار عليه مقامات عاليه نموده و از ساعت ۰۹۳۰ حدود ۶۰ نفر طلبه كه برخي از آنان با پارچه صورت خود را پوشانيده اند

بر روی بام مدرسه آمده و مشغول دادن شعار و پرتاب سنگ به طرف مأمورین می‌باشند. ضمناً جلسه شورای هماهنگی صبح امروز تشکیل و پس از استمراج نظر مقامات مرکز، تصمیم گرفته شد که با شدت و قدرت از اقدامات طلاب جلوگیری و شهربانی قم برای تأمین این منظور از مرکز تقاضای نیروی کمکی نموده است...





فریادگران حماسه فیضیه با دیدن نیروهای ویژه، کماندوها و چتربازها که از تهران آمده و همراه با چند دستگاه آمبولانس، ماشین‌های پلیس و آتش‌نشانی، در میدان آستانه به صف ایستاده بودند، دریافتند که به زودی فیضیه مورد یورش قرار می‌گیرد؛ از این رو، چند برنامه را به کار بستند:

۱. پرچمی قرمز در بلندترین نقطه بام فیضیه که از دور دست‌ترین نقطه شهر دیده می‌شد، برافراشتند و با این شگرد به بینندگان آن پرچم، خطر خونینی را که در پیش بود گوشزد کردند و این نکته را نیز با این کار اعلام کردند که راه آنان راه سرخ حسینی است و حماسه‌آفرینان آن روز فیضیه برای شهادت در راه آرمان‌های اسلامی آماده شده‌اند.

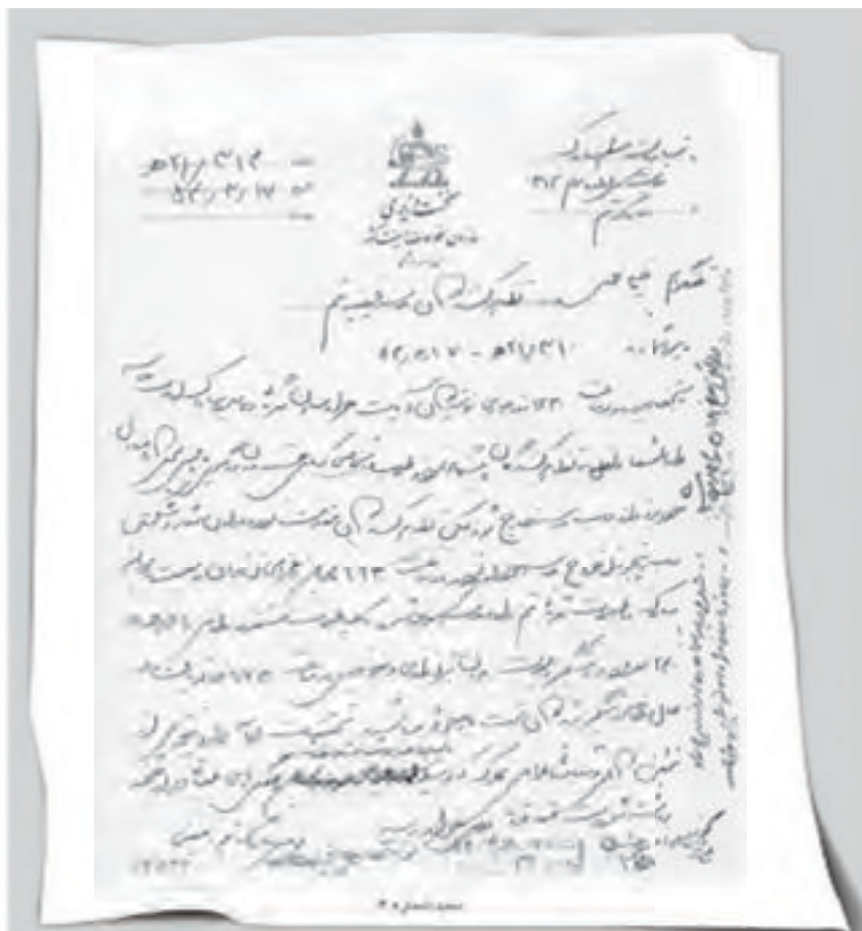
۲. تا آنجا که توانستند سنگ و چوب انباشته کردند و برای رویارویی خونین آماده شدند.  
۳. از تلفن فیضیه با مراکز گوناگون اسلامی، دینی، سیاسی و علمی مانند بیت علمای قم، علمای برخی از شهرستان‌ها، آقای فلسفی، خبرگزاری‌های خارجی، خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران تماس برقرار کردند و خبر اوضاع و خیم و خونینی را که در پیش بود به آنان رسانیدند.

۴. در صحن فیضیه نشستی برگزار کردند و با یکدیگر به رایزنی پرداختند که در برابر یورش دژخیمان چه راهی در پیش بگیرند.

نزدیک ظهر روز شنبه ۱۷ خرداد، سرهنگ جوادی معاون رئیس شهرداری قم از راه دارالشفاء با تظاهر کنندگان ارتباط برقرار کرد و کوشید با به اصطلاح پند و اندرز آنان را به تسلیم وادارد. روحانیان و طلاب مبارز با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را به گریز واداشتند. ساواک قم طی تلگرامی به تیمسار نصیری (ریاست ساواک کشور) از گفت‌وگوی نمایندگان برخی از علمای قم با تظاهر کنندگان و سرسختی و مقاومت طلاب در برابر



پیشنهاد آنان برای پایان دادن به تظاهرات و تسلیم شدن چنین گزارش داده است:  
 ... در ساعت ۱۲۳۰ روز جاری نمایندگان آیات، همراه معاون شهربانی  
 و نماینده ساواک از درب مدرسه دارالشفاء داخل و به تظاهر کنندگان  
 پیشنهاد نمودند طلاب و اشخاصی که مایل هستند بدون درگیری با  
 پلیس به محل کار و منازل خود بروند از درب مدرسه خارج شوند لکن  
 تظاهر کنندگان مقاومت نموده و با دادن شعار و شکستن درب و پنجره  
 از خروج مدرسه خودداری نمودند...<sup>۱</sup>



۱. شکستن در و پنجره از سوی طلاب دروغی بیش نیست. شاید با این دروغ خواسته‌اند جنایت‌های وحشیانه  
 مأموران خود را، در قیام فیضیه پنهان کنند و چنین وانمود نمایند که شکستن در و پنجره حجره‌ها کار خود طلاب  
 بوده است!





### یورش خونین به فیضیه

متعاقب این اقدامات در ساعت ۱۶:۳۰ حمله آغاز شد. طلابی که در بالای بام به مراقبت و مقاومت ایستاده بودند با زد و خوردی کوتاه به صحن فیضیه پرتاب شدند. در درون فیضیه نیز جنگ تن به تن آغاز شد. مبارزان روحانی هنگام یورش کماندوها با شعار الله اکبر، الله اکبر که به شکل دسته جمعی سر می دادند، مردم و رهگذران کنار فیضیه را به جنایاتی که در دست اجرا بود آگاه می کردند. طلاب جوان - حتی نوجوانانی که بیش از ۱۰-۱۲ سال از عمرشان نگذشته بود در برابر کماندوها تا واپسین نفس پایداری می ورزیدند. به رغم درندگی‌ها، خشونت‌ها و وحشی‌گری‌های بی‌حدومرز کماندوها، صدای عجز و لابه و گریه و ناله و درخواست هرگز به گوش نرسید. شماری از طلاب با سر و دست و کمر شکسته و بدن‌های خون‌آلود، نقش زمین شدند. کماندوها، برخی از طلاب دست و پا شکسته و خونین را به حوض مدرسه می انداختند به گونه‌ای که آب حوض به رنگ ارغوانی درآمد. برخی از طلاب توانستند از دست کماندوها و مأموران بگریزند و جان سالم به در ببرند. برخی نیز توانستند در گوشه و کناری پنهان شوند و به چنگ دژخیمان نیفتند.

کماندوهای شاه پس از سرکوب طلاب که در بام و صحن مدرسه بودند، به حجره‌ها یورش بردند، در و پنجره‌ها را شکستند، قرآن و کتاب‌های دینی و علمی را پاره و لگدمال کردند و طلابی را که به درون حجره‌ها پناه برده بودند بیرون کشیدند و به شدیدترین



کماندوهای شاه پس از سرکوب طلاب که در بام و صحن مدرسه بودند، به حجره‌ها یورش بردند، در و پنجره‌ها را شکستند، قرآن و کتاب‌های دینی و علمی را پاره و لگدمال کردند و طلابی را که به درون حجره‌ها پناه برده بودند بیرون کشیدند و به شدیدترین شیوه زیر مشت و لگد گرفتند

شیوه زیر مشت و لگد گرفتند. مأموران ساواک، شهربانی و ژاندارمری قم نیز همراه کماندوها انجام وظیفه! می‌کردند و به زدن طلاب و غارت حجره‌ها و پاره کردن کتاب‌ها مشغول بودند. برخی از طلاب به سبب ضربه‌هایی که به سرشان وارد آمد آسیب‌های جبران‌ناپذیری دیدند، به ضعف بینایی و سردردهای مزمن دچار شدند، برخی از جانب کمر و پا و زانو آسیب‌های سختی دیدند و ناتوان شدند. مسئولان و کارگردانان

سرکوب فیضیه پس از پایان مأموریت خود و دستگیری حدود ۳۰۰ تن از طلاب، صورت جلسه‌ای تنظیم کرده، در آن آوردند:

#### صورت‌مجلس

چون از بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۴/۳/۱۵ عده‌ای از طلاب ناراحت و اخلاک‌گر در داخل مدارس فیضیه و دارالشفاء موضع گرفته و با انجام تظاهرات و دادن شعارهای مضره علیه مقامات عالیه مملکتی موجبات اغتشاش و بی‌نظمی منطقه را فراهم نموده بودند و با نصب یک قطعه پرچم قرمز رنگ بر روی بلندترین نقطه بام مدرسه فیضیه تظاهر به مقابله با پلیس نموده و چند قطعه پارچه که روی آن شعارهای مخالف نوشته شده بود به درب و دیوارهای مدرسه الصاق کرده بودند و با اینکه از طرف مأمورین پلیس مکرر به آنها تذکر داده شده بود که از مدرسه خارج و متفرق شوند توجهی ننموده و با نشان دادن چوب‌هایی که در دست داشتند به شدت تظاهرات خود می‌افزودند. علی‌هذا ساعت ۱۶۳۰ روز ۵۴/۳/۱۷ طبق طرح و برنامه تنظیمی قبلی مأمورین شهربانی و ساواک قم در معیت اکیپ اعزامی از مرکز به مدارس فیضیه و دارالشفاء وارد که طلاب داخل مدارس مزبور به محض مشاهده مأمورین شروع به تظاهرات و دادن شعارهای مخالف نموده و با سنگ و چوب به طرف مأمورین حمله‌ور گردیدند که مأمورین ناگزیر به مقابله پرداخته و در اثر زد و خورد و پرتاب سنگ از جانب طلاب ۱۲ نفر از مأمورین شهربانی قم مجروح و تعدادی از شیشه‌های در و پنجره مدارس مزبور شکسته و

سرانجام ۲۴۳ نفر از طلاب مزبور دستگیر و به شهربانی دلالت گردیدند-  
این برنامه در ساعت ۱۷۳۰ خاتمه پذیرفت. %ب توضیح اینکه در این  
جریانات ۲۸ اصله از باتن‌های چوبی و چهار عدد از کلاه‌های ایمنی  
مأمورین شکسته است.

رئیس ساواک قم. معینی

رئیس شهربانی قم. سرهنگ شهرستانی

معاون انتظامی شهربانی قم. سرهنگ جوادی

معاون اداری شهربانی قم. هـ سرهنگ ۲ کامکار

فرمانده اکیپ اعزامی از مرکز. سروان کیا

رئیس دایره پلیس. سرهنگ ۲ پارسا

رئیس دایره زندان. سرگرد مؤمن زاده

رئیس کلانتری بخش ۲. سروان نیکومنش

معاون کلانتری مرکز. ستوانیکم افاضلی

رئیس شعبه اطلاعات. هـ ستوانیکم محمدی





مجموعه آثار

چون آیهه از ظهر روز پنهان شده ۱۰/۳/۱۰۰ عددی از انقلاب بازمانده با سالنگ در راه اقلید از راه رسیدند از آنجا\*  
 توضیح گرفته به اینجهام نظاره‌ها بود از آن شماره‌های خبره علیه سالنگ‌ها تا به مشکلی بویادت انتشارات پیرانی شده  
 را فراهم نموده بودند و با نصب یک فنامه پرودم فرزندگی بر روی بلندترین نقطه پام به ربه اقلید نظاره‌ها ساخته  
 باقی‌مانده بودند و چند فنامه پارچه که روی آن شماره‌های مخالف نوشته شد در جواب در برب و دیوارها برده به اسکان  
 کرده بودند. برای یک از طرف مأمورین پارس‌نشین آیداند کرد از عدد ۱۰۰ که ایند ربه خارج پتلاق آیدند بودیم  
 نمودند و پاتشان در آن جواب هاشی که در دست داشتند بعد از نظاره‌ها فرات خود بی آوردند. طریقه‌ها مستقیم  
 ۱۳۳۰ روز ۱۲/۳/۱۰۰ قبل فرج پیرانه تا اینجی البلی ما مومنین شهرتانی با او اقلید در سیاحت البلی از برای آزرگ  
 بعد از این جنبه در آن لحظه وارد که خطاب در آرس منین بعضی مشاهده مأمورین شرقی بنا فرات پدایت  
 شماره‌ها مخالف نموده با سنگ و چوب بارف مأمورین حلقه بی کرد به آن که مأمورین سنگین حلقه برداشته در  
 آرزو و همدر پیرتاب سنگ از جانب طلاب سنگت نظر از مأمورین پیرانی فر میروید و بعد آن در آن پشه‌ها در  
 چهارد از منین سنگت و سرانجام سنگت نظر از انقلاب میروید سنگت پیرانی در آنست که به آنست  
 پیرانه در سیاحت ۱۳۳۰ خانه با دست‌ها بی توضیح اینکه در آنجا جزایا در آنست که این آن‌ها در پیر و پیر  
 در آنکه های این مأمورین سنگت است.

- رئیس سابق کور - محبتی
- رئیس دیوانی کور - سرهنگ شهبان
- مدیران نظامی پیرانی هم - سرهنگ جوانی
- مدیران اداری پیرانی هم - سرهنگ شهبان
- فرمانده البلی امراضی از مرکز - سردار کور
- رئیس دیوانه زندان - سرگرد موذن زاد کور
- مدیران کلانتری مرکز - معاونان اقلید
- رئیس دیوانه پیرانی کور - سرهنگ آقا پیرانی
- رئیس کلانتری پیرانی کور - سرهنگ شهبان
- رئیس شعبه اطلاعات - معاونان کور



## حماسه آفرینان فیضیه در شکنجه گاه پادشاه

در روز ۱۸ خرداد نمایندگان از علمای تراز اول قم برای دیدار از دستگیرشدگان به زندان شهربانی رفتند. پیش از رسیدن این نمایندگان به شهربانی، مأموران آن دسته از روحانیان و طلابی را که زخم‌های عمیقی داشتند از دیگر دستگیرشدگان جدا کردند و از دید نمایندگان دور داشتند!

در بعد از ظهر روز ۱۸ خرداد دستگیرشدگان را با چند دستگاه اتوبوس به تهران حرکت دادند. در هر اتوبوس ۱۲ تن از مأموران انتظامی و امنیتی مسلسل به دست گماشته شده بودند و به دستگیرشدگان رخصت جنجیبین نمی‌دادند. دستگیرشدگان را در کف اتوبوس نشاندند تا از بیرون دید نداشته باشد.<sup>۱</sup>

رئیس ساواک قم (سرهنک معینی) همزمان با گسیل دستگیرشدگان به تهران و زندان اوین گزارشی برای تیمسار ریاست ساواک کل کشور (سپهبد نصیری) فرستاد؛ در این گزارش آورده بود:

... تاکنون دویست و هفتاد و دو نفر از طلاب که در جریانات اخیر دخالت و یا شرکت داشته‌اند وسیله مأمورین دستگیر که از این عده بیست و دو نفر در روز ۵۴/۳/۱۵ (لیست شماره یک) و شش نفر در روز ۵۴/۳/۱۶ (لیست شماره دو) و دویست و چهل و چهار نفر در روز ۵۴/۳/۱۷ (لیست شماره سه) بازداشت گردیده‌اند که اسامی و مشخصات آنان به پیوست تقدیم می‌گردد. برابر تحقیقات انجام شده و شواهد موجود نوزده نفر از افراد مورد نظر بیش از دیگران در انجام تظاهرات و مقابله در برابر پلیس شرکت نموده بودند که در لیست شماره سه مشخص گردیده‌اند. و یک نفر از آنان (ردیف اول لیست شماره دو) قصد ربودن اسلحه راننده شهربانی را داشته است که کلیه این افراد قرار است وسیله شهربانی به مرکز اعزام گردند...

۱. برخی از زخمی‌ها که خون زیادی از آنها رفته بود، سخت تشنه بودند و آب می‌خواستند لیکن مأموران تا تهران به کسی آب ندادند. یکی از زخمی‌ها که خون زیادی از او رفته بود به سبب شدت تشنگی با صدای بلند گفت: «من آب می‌خوام.» سربازی که بالای سر او ایستاده بود خطاب به فرمانده خود گفت: «جناب سروان! این میگه من آب می‌خوام!» فرمانده با یک لحن مخصوص پاسخ داد: «بهش بده!» سرباز با چماقی که در دست داشت چنان بر سر او کوبید که انگار از هوش رفت.



**خیلی مجرمانه**

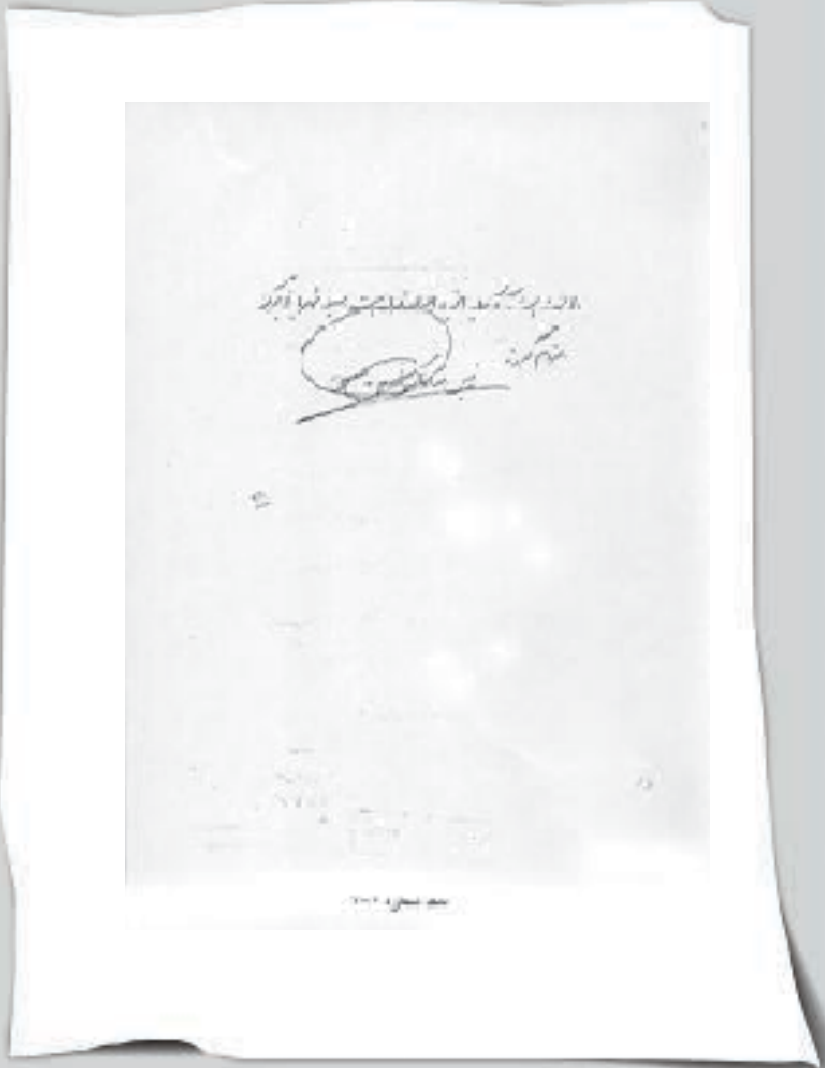
تاریخ: ۲۱/۴/۶۱  
محل وقوع: تهران  
شماره پرونده: ۵۴۲۳۱۵  
شماره ثبت: ۵۴۲۳۱۶  
شماره ثبت: ۵۴۲۳۱۷

تاکنون بدست خفا و پنهان بوده که در جرائم غیر  
ذاتی و با نزول داشته اند. به واسطه این که  
در این مورد به جهت اطلاع در روز ۵۴/۲/۱۵ (بیت  
تاریخ) به دفتر تهران در روز ۵۴/۲/۱۶ (بیت شماره ۵)  
در این بیت در محضر دادگاه تهران در روز ۵۴/۲/۱۷ (بیت شماره  
۵) از این جهت گرفته و در آنجا که در این مورد و مشخصات آن  
به جهت تمام میگردد. و سایر تحقیقات انجام شده و نتایج  
در این مورد به دفتر تهران در روز ۵۴/۲/۱۷ (بیت شماره ۵) در این  
تلفات و نتایج در این مورد به دفتر تهران در روز ۵۴/۲/۱۷ (بیت  
شماره ۵) در این مورد به دفتر تهران در روز ۵۴/۲/۱۷ (بیت شماره ۵)  
در این مورد به دفتر تهران در روز ۵۴/۲/۱۷ (بیت شماره ۵)

**خیلی مجرمانه**

شماره پرونده: ۵۴۲۳۱۵





قیام ۱۷ خرداد فیضیه قم در سال ۵۴ یک قیام خودجوش و یادآور قیام خونین سال ۱۳۴۲ و آغاز نهضت امام خمینی بود. برخی از طلاب و روحانیان دستگیر شده در این قیام در بازجویی‌ها با بالندگی و صراحت، اذعان کردند که در راه برپایی حکومت اسلامی تلاش و کوشش می‌کنند و به مبارزه برخاسته‌اند. برخی نیز ریشه اندیشه سیاسی و مبارزاتی خود را در طرح و بحث حکومت اسلامی بیان می‌کردند

رئیس ساواک قم در گزارش دیگری نام چند تن از طلاب پاکستانی و افغانی را که در تظاهرات فیضیه شرکت داشتند چنین اعلام کرده است:

... عده‌ای از طلاب عصر روز ۵۴/۳/۱۵ به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد در مدرسه فیضیه اجتماع و تظاهراتی علیه دولت برپا داشتند و سرانجام با دخالت پلیس، تظاهرکنندگان عصر روز ۵۴/۳/۱۷ که مقاومت نموده بودند دستگیر شدند. ضمناً بیگانگان مشروحه زیر نیز که جزء دستگیرشدگان می‌باشند تاکنون سوابق سیاسی از آنان در این ساواک موجود نمی‌باشد.

۱- سید احمدشاه فرزند سیدعلی، معروف به

موسوی... تبعه پاکستان

۲- محمدعارف فرزند محمد مهدی، معروف به مهاجری... تبعه

پاکستان

۳- محمدهادی فرزند محمدقادر، معروف به فهیمی... تبعه پاکستان

۴- عبدالحسین فرزند نوروزعلی، معروف به عاقلی... تبعه پاکستان

۵- عباس فرزند قنبر، معروف به مروج‌زاده... تبعه افغانستان

۶- سیدکمال فرزند سیدحسین، معروف به حسین‌زاده... تبعه

افغانستان...

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 دفتر نشر و توزیع مواد آموزشی  
 شماره ۲۲۲  
 تهران - خیابان ولیعصر

بسم الله الرحمن الرحیم  
 ۱۵ خرداد

- ۱ - جدول ضروری ۱۳/۳/۶۵ - بنام سید سائید ۱۵ خرداد ۶۵ -  
 درجه فنییه امتحان و ناظران فله و پند سر یاد انگیز و سرالمام -
- ۲ - در کتب ایمن ظاهر کنندگان ضروری ۱۳/۳/۶۵ - که ملاحظه نمایند -  
 بودند مشکوک شدند - شما "میانگین مشروطه زیر نیز که جزو مشکوکند گن  
 میباشند با گون سوابق - سیاسی از آنان در این باب که موجود میباشد -
- ۳ - سید احمد شاه فرزند سید علی معروف به موسوی در اقصای گریخته شماره  
 ۱۳۱۳۰۲ شماره پاکستان ۱۳۱۳۰۲
- ۴ - محمد عارف فرزند محمد موسوی معروف به موسوی  
 ۱۳۱۳۰۲ شماره پاکستان ۱۳۱۳۰۲
- ۵ - محمد عارفی فرزند محمد عارف معروف به موسوی  
 ۱۳۲۱۳۰ شماره پاکستان ۱۳۲۱۳۰
- ۶ - محمد آسین فرزند نوریز خان معروف به طالبی  
 ۱۳۲۰۲۲ شماره پاکستان ۱۳۲۰۲۲
- ۷ - محمد فرزند شیخ معروف به موسوی  
 ۱۳۲۰۲۲ شماره پاکستان ۱۳۲۰۲۲
- ۸ - سید کمال فرزند سید حسن معروف به موسوی  
 ۱۳۲۰۲۲ شماره پاکستان ۱۳۲۰۲۲

محرر: سید علی حسینی  
 مدیر: سید علی حسینی  
 ۲۲۲  
 تهران - خیابان ولیعصر





دستگیرشدگان در ساعت ۵۰:۲۰ روز ۱۸ خرداد به زندان اوین رسیدند. از ساعت ۲۱ (هنگام ورود به زندان) تا ساعت ۴ پس از نیمه شب دستگیرشدگان را در فضای باز زندان روی موزاییک و سنگ ریزه‌ها بدون آب و غذا خواباندند و هرگونه سخن، حرکت، درخواست و یا اعتراضی را به شدیدترین شیوه‌ای با مشمت و لگد و باتوم و شلاق پاسخ دادند و حتی به آنان رخصت به جا آوردن نماز ندادند.

از بامداد روز ۱۹ خرداد، جابه‌جایی دستگیرشدگان و گسیل آنان به درون زندان آغاز شد؛ هر ۲۵ نفر تا ۳۰ نفر را در یک اتاق جا دادند. پس از پایان جابه‌جایی، بازجویی اولیه آغاز شد و تانیمه‌های شب ۲۰ خرداد ادامه یافت.

قیام ۱۷ خرداد فیضیه قم در سال ۵۴ یک قیام خودجوش و یادآور قیام خونین سال ۱۳۴۲ و آغاز نهضت امام خمینی بود.

برخی از طلاب و روحانیان دستگیرشده در این قیام در بازجویی‌ها با بالندگی و صراحت، اذعان کردند که در راه برپایی حکومت اسلامی تلاش و کوشش می‌کنند و به مبارزه برخاسته‌اند. برخی نیز ریشه اندیشه سیاسی و مبارزاتی خود را در طرح و بحث حکومت اسلامی بیان می‌کردند. بنابر گزارش ساواک:

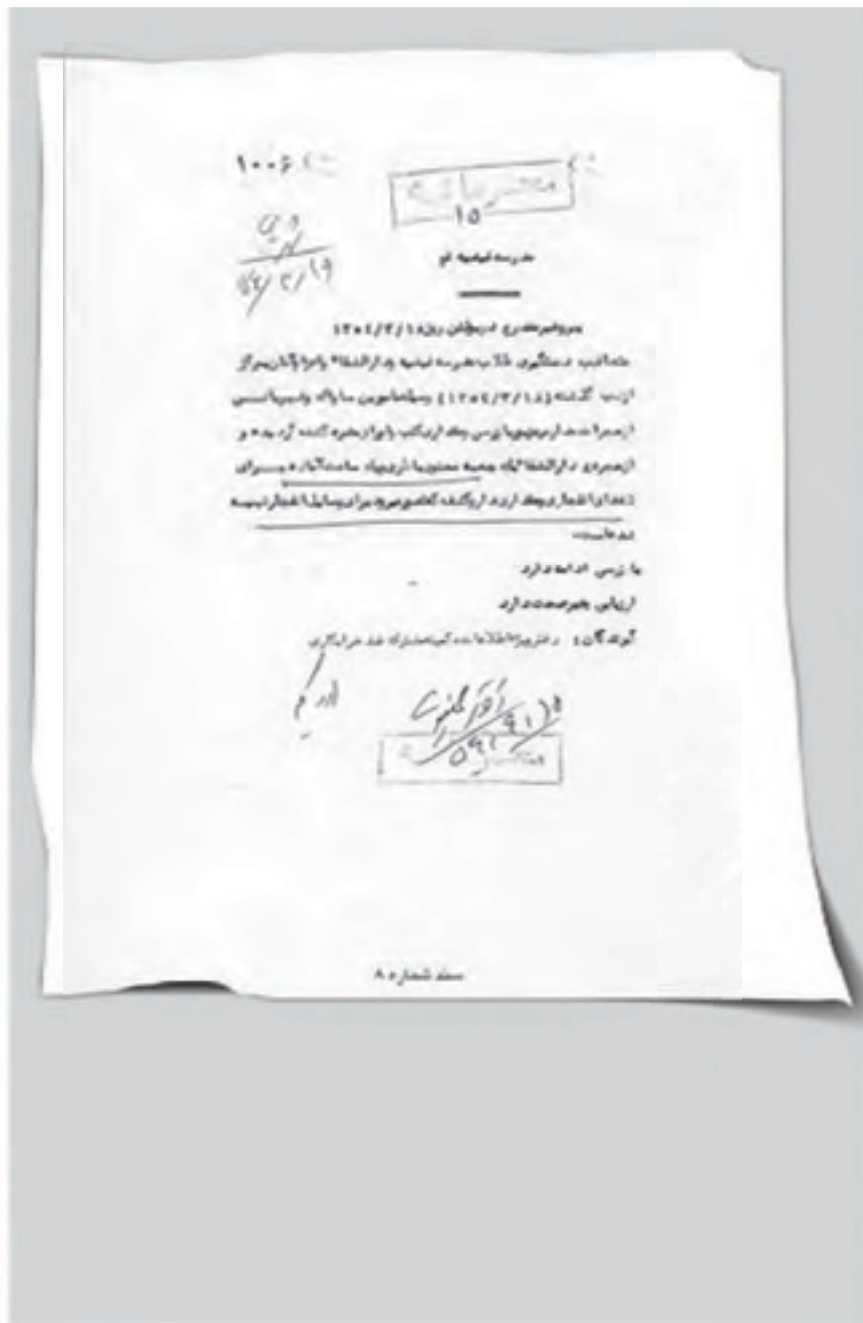
... غلامرضا خلف رضایی... در ادامه تحقیقات معموله اظهار داشته هنگام شرکت در جلسات انجمن دانشوران [در شهرستان دزفول] با دو نفر طلبه علوم دینی که طرفدار تشکیل حکومت اسلامی در کشور بودند آشنا و بر اثر بحث و مذاکره با آنان، به تدریج زمینه فکری لازم جهت مبارزه در او به وجود آمده است...<sup>۱</sup>

مأموران ساواک و دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه تلاش کردند برای پرونده‌سازی و محکوم کردن بازداشت‌شدگان دستاویزی به دست آورند؛ از این رو، بی‌درنگ به بازرسی حجره‌ها پرداختند و کتاب‌های گوناگونی را که طلاب از مارکسیست‌ها، سوسیالیست‌ها، ملی‌گراها و دیگر گروه‌ها و عناصر منحرف برای پاسخگویی در کتابخانه خود داشتند و نیز رساله «توضیح المسائل»، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام و دیگر عالمان برجسته مبارز که در میان کتاب‌های طلاب موجود بود، به عنوان مدارک جرم گردآوری کرده و دستاویز قرار دادند و طبق آن برای بازداشت‌شدگان پرونده‌سازی کردند. ساواک قم در این مورد چنین گزارش داده است:

... متعاقب دستگیری طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفاء و اعزام آنان به

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۱۳، ۴/۲، ۱۳۵۴، ص ۳.

مرکز از شب گذشته (۱۳۵۴/۳/۱۸) وسیله مأمورین ساواک و شهربانی از حجرات مدارس مزبور بازرسی و مقداری کتب و اوراق مضره کشف گردیده و از حجره دارالشفاء یک جعبه محتوی باطری و یک ساعت آماده برای تله‌های انفجاری و مقداری دارو کشف که تصور می‌رود برای وسایل انفجار تهیه شده است...





رویداد خرداد ۵۴، موجی از خشم و نگرانی در سراسر کشور پدید آورد. خیر یورش کماندوها به فیضیه و سرکوب طلاب و دستگیری دسته جمعی آنان، در حوزه‌های علمی، محافل روحانی، مجامع مذهبی و در میان عموم مردم، به ویژه کسانی که فرزندانشان در قم به تحصیل علوم اسلامی سرگرم بودند، بازتاب ناگواری به همراه داشت و مایه نگرانی و بی‌قراری همگان شد و خشم و کین مردم را نسبت به رژیم شاه فزونی بخشید

مأموران در بازرسی از حجره‌ها، صورت جلسه‌ای نیز که دربردارنده کتاب‌ها، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها، عکس‌ها، نوارها و... می‌باشد، در سه برگ تهیه کرده و به امضای نماینده دادستان قم به نام شب‌افروز، نماینده ساواک قم به نام ترابی و نماینده شهربانی قم به نام‌های احمدی و فلاح رسانیدند.<sup>۱</sup>

مأموران در بازجویی‌های خود از دستگیرشدگان که با شکنجه‌های توانفرسا همراه بود، توانستند از طلاب و

روحانیانی که در تظاهرات فیضیه نقش داشتند و دستگیر نشده بودند سرنخی به دست آورند و چند تن از آنها را در شهرهای گوناگون دستگیر کنند و مورد بازجویی و شکنجه قرار دهند. در بولتن کمیته مشترک به اصطلاح ضدخوابکاری گزارش شده است:

... در جریان تحقیقات معموله از متهمین دستگیر شده و بر اساس گزارشات منابع اطلاعاتی ساواک که مشخصات تعدادی از طلاب علوم دینی شرکت کننده در تظاهرات و اخلاگری‌های حوادث شهرستان قم را در اختیار قرار داده بودند، اقدامات لازم به منظور شناسایی و دستگیری عناصر مذکور معمول و در نتیجه ۱۲ نفر از آنان به وسیله مأمورین ساواک در شهرستان‌های قم، شیراز، ساری و دزفول دستگیر و به مرکز اعزام و مورد تحقیق قرار گرفتند. متهمین دستگیر شده که در بازرسی از حجره‌هایشان تعدادی کتب مضره مذهبی کشف و ضبط گردیده در جریان بازجویی‌های معموله به فعالیت‌های مضره و اخلاگرانه خویش معترف و تحقیقات از آنان به منظور اخذ کلیه اطلاعات و دستیابی به سایر عناصر مرتبط با آنها ادامه دارد...

در این گزارش نام‌های دستگیرشدگان چنین آمده است:

۱. رک: آرشیواسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.



ردیف	نام	شهرت	شغل
۱	محمد	حسین نیا	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۲	محمد یوسف	کیافتوحی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۳	احمد یوسف	کلانتری	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۴	محمد مهدی	ربانی شیرازی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۵	قدرت الله	علیخانی	طلبه علوم دینی در شهرستان قم
۶	ابراهیم	خلوتی	طلبه علوم دینی در شهرستان شیراز
۷	غلامرضا	خلف رضایی زارع	دانش آموز در شهرستان دزفول
۸	رحیم	سعیدفر	دانش آموز در شهرستان دزفول
۹	محمد علی	امین	دانش آموز در شهرستان دزفول
۱۰	جاوید	مقصودی	دانش آموز در شهرستان ساری
۱۱	احمد	اولاد اعظمی	کشاورز در شهرستان ساری <sup>۱</sup>

چنانکه پیش تر اشاره شد شماری از مردم و دانش آموزان نیز به تظاهر کنندگان فیضیه پیوستند و با آنان همراهی کردند؛ در گزارش کمیته مشترک نیز می بینیم نام های برخی از افراد غیر روحانی و دانش آموزان برخی از شهرستان ها را که در تظاهرات فیضیه شرکت داشتند و توانسته بودند هنگام یورش مأموران به فیضیه از صحنه بگریزند. پیش تر اشاره شد که ساواک آنان را دستگیر و بازداشت کرده است، لیکن ساواک با این دستگیری ها و بازداشت ها نیز نتوانست عاملان اصلی جریان فیضیه را بیابد؛ از این رو، ناگزیر شد چنین بنمایاند که محرکان و عاملان اصلی را یافته است! لیکن هنوز دستگیر نشده اند! ساواک در گزارشی اعلام کرد:

... محرکین اصلی تظاهرات اخلا لگرانه حوزه علمیه قم که دستگیر نشده اند به شرح زیر می باشند:

۱- برادران فاضل زاده، جواد، باقر ۲- شیخ قدرت اصفهانی ۳- شیخ

۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۱۲، ۱۳۵۴/۴/۲، ص ۲ و ۶.

خلیل (جوانی است عینکی و صبح‌ها در مدرسه برو جردی تدریس می‌کند)...



شاه و ساواک دنبال پیاده کردن این نقشه بودند که خیزش فیضیه را یک جریان مارکسیستی بنمایانند که ریشه در توطئه بلوک شرق بر ضد رژیم شاه و سیاست های امریکا در ایران دارد و با خواست ملت ایران که همگی یک دست و یک زبان پشت سر شاه ایستاده! و به حزب رستاخیز پیوسته اند! هیچ گونه ارتباطی ندارد! لیکن پشتیبانی آیات قم از حماسه آفرینان فیضیه می توانست این نقشه شاه را با شکست روبه رو کند

ساواک برای توجیه ناتوانی خود در شناخت و دستگیری عاملان اصلی جریان فیضیه دروغ هایی سر هم بندی کرده و چنین گزارش داده است:

طرفداران خمینی در قم جمعیتی به نام متحرکین طرفدار خمینی در قم دارای فعالیت بوده و سعی می کنند کم تر شناخته شوند، اشخاص شناخته شده این جمعیت عبارتند از:

- ۱- شیخ علی فاضل زاده
  - ۲- شیخ محمد فاضل زاده ۳- شیخ جواد فاضل زاده ۴- شیخ محمد افشار
  - ۵- سید حسین سبحانی ۶- سید محمد علی موسوی مازندرانی
- افراد فوق به مناسبت معدوم شدن ۹ نفر زندانی<sup>۱</sup> در یک شبانه شب و دوشنبه شب ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت، مجلس فاتحه خوانی در مدرسه فیضیه قم برپا نموده و ردیف ۳ مذکور ضمن سخنرانی، از معدومین تجلیل و اظهار داشته آنان افرادی بی گناه بودند و بدون جرم کشته شده اند...

۱. اشاره به ۹ نفر زندانی که در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ به دست زندانبان شاه به شکل مرموزی کشته شدند و ساواک به دروغ ادعا کرد که آنان هنگام گریز از زندان هدف قرار گرفتند و از پای درآمدند! اسامی آنان به این شرح است: مصطفی خوشدل، کاظم ذوالانوار، بیژن جزنی، حسن ضیاظریفی، احمد جلیلی افشار، مشعوف کلاتری، عزیز سرمدی، محمد چوپان زاده، عباس سورکی.





شماره ۴۷ - بهار ۹۵	
۱ - ۲۰۰۰	۱ - ۲۰۰۰
۲ - ۲۰۰۰	۲ - ۲۰۰۰
۳ - ۲۰۰۰	۳ - ۲۰۰۰
۴ - ۲۰۰۰	۴ - ۲۰۰۰
۵ - ۲۰۰۰	۵ - ۲۰۰۰
۶ - ۲۰۰۰	۶ - ۲۰۰۰
۷ - ۲۰۰۰	۷ - ۲۰۰۰
۸ - ۲۰۰۰	۸ - ۲۰۰۰
۹ - ۲۰۰۰	۹ - ۲۰۰۰
۱۰ - ۲۰۰۰	۱۰ - ۲۰۰۰

مردم - شرکت ایران شیمی در فرام  
 جمعیتی تمام حاضرین شرکت ایران شیمی در فرام در آن زمان فعالیت نمود و در ضمن میگذشت  
 گفتارها شده بودند. اندک زمانی دریا شده شد و این جمعیت عبارتند از:

- ۱- شیخ علی قاضی زاده
- ۲- شیخ محمد قاضی زاده
- ۳- شیخ دیوانه قاضی زاده
- ۴- شیخ محمد انصاری
- ۵- سید حسین سجستانی

۱- سید محمد علی موسوی قزوینی  
 افراد فوق بنام است محمد و در شهر ۱۰ نفر از آن می میگذشتند و در پیشانیه است  
 ۲۱ فروردین ۱۳۰۲ در جمعیت پیشانیه خوانی در طریقه کوشیده کم میسأ  
 نمود و در شب ۳ تا ۴ روز در آن زمان در ضمن تشکیل و باقی ماندند آنجا  
 افراد و میگذشتند بود که در این مورد گفته شده است .

خلاصه آنست که جمعیت آنکس و باقی بمانند جمعیت و تمام موضوع و اعلام و تا به حال  
 در ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳  
 که در آن زمان  
 در آن زمان

کارفرمایان ساواک بنا به سیاست شاه و مقامات درباری بازداشت‌شدگان واقعه فیضیه را به چند دسته پخش کردند؛ بخشی را روانه دادگاه کردند، بخش دیگری را به اداره نظام وظیفه فرستادند و شماری را که کم‌تر از ۱۸ سال داشتند، پس از شکنجه‌های وحشیانه و غیرانسانی و تهدید و خط و نشان کشیدن، با گرفتن ضمانت آزاد کردند. در بولتن محرمانه ساواک آمده است:

خروش فیضیه به رغم جو سازی‌ها و سمپاشی‌های گسترده رژیم شاه توانست در آسمان تیره و تار سرزمین ایران رعد و برق پدید آورد و نور امید در دل‌ها بتاباند، نهضت امام را اوج بخشید، موج‌ها بیافریند، راه نوینی برای شورش و خیزش باز کند، صدای فرزندان فیضیه را در سراسر ایران طنین انداز سازد و مایه رویش شود و دستاوردهای پرباری به همراه آورد

... مختصری از اعترافات متهمین دستگیر شده

۱- احمد کربوبی که عامل اصلی تظاهرات بوده در تحقیقات معموله ضمن تأیید فعالیت‌های مضره خویش، خود را از مخالفین رژیم شاهنشاهی معرفی نموده و با صراحت خود را معتقد به ایجاد حکومت اسلامی در کشور معرفی می‌کند. این فرد که دارای افکار ارتجاعی شدید است با کلیه برنامه‌های اصلاحی در کشور رفع حجاب مخالف و از سرسپردگان خمینی می‌باشد.

۲- احمد محدث یکی دیگر از عناصر دستگیر شده، معترف گردیده که تحت تبلیغ شخصی به نام حسین جوانبختی... قرار داشته و از طریق او اعلامیه‌ها و جزوات مختلف گروه به اصطلاح مجاهدین خلق را دریافت و مطالعه و به سایرین می‌داده است. وی اضافه نموده تاکنون اعلامیه‌های مختلفی منجمله «گرسنگی ناشی از چیست؟» و اعلامیه خمینی مبنی بر مخالفت با حزب رستاخیز ملت ایران را تکثیر و ضمن مسافرت به شهرستان‌های دزفول، شیراز، لاهیجان، تعدادی از این اعلامیه‌ها را در اختیار چند نفر از روحانیون مقیم شهرستان‌های مذکور قرار داده و بقیه را نیز در قم و نقاط مناسب شهرستان‌های اخیرالذکر توزیع کرده است.

۳- تعدادی از متهمین دستگیر شده در جریان تحقیقات معموله به شدت مقاومت و با اینکه دلایل کافی در زمینه فعالیت‌های مضره آنان موجود است معهداً سرسختانه از دادن اطلاعات خود به مأمورین تحقیق





خودداری می نمایند که بازجویی مداوم از آنها ادامه داشته و نتایج حاصله متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

ب: به دنبال دستگیری طلاب مورد بحث، از حجره‌های آنان در مدرسه فیضیه و دارالشفاء بازرسی به عمل آمد که در نتیجه حدود ۲۰۰۰ جلد کتب و نشریات مختلف مضره مذهبی، تعداد زیادی جزوات و اعلامیه‌های مربوط به گروه به اصطلاح مجاهدین خلق و اعلامیه‌های مضره مربوط به طرفداران خمینی و «روحانیون مرفقی قم» و اعلامیه‌هایی مربوط به فلسطین و تعدادی نشریات کمونیستی منجمله جزوه «ضرورت مبارزه مسلحانه»، «رد تئوری بقا» کشف و ضبط گردیده است...

ت: وضعیت متهمین دستگیر شده:

در جریان تحقیقات از مجموع ۲۷۹ نفر عناصر دستگیر شده و بررسی‌هایی که در زمینه اقدامات اخلاک‌گرانه آنان به عمل آمد، می‌توان آنها را در پنج گروه تقسیم‌بندی نمود که در صورت استقرار رأی عالی به ترتیب زیر رفتار خواهد شد:

۱. تعداد ۴۶ نفر عناصری که فعالیت گروهی و ارتباط آنها با عناصر خرابکار محرز و در تظاهرات دخالت مستقیم داشته‌اند، پس از انجام تحقیقات و اخذ کلیه اطلاعات پرونده اتهامی آنها تکمیل و به اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال گردد.

۲. از تعداد ۷۱ نفر افرادی که در جریان تظاهرات فعالیت‌های مؤثری نداشته‌اند، آن عده که بین ۱۸ الی ۳۵ سال دارند و خدمت زیر پرچم انجام نداده‌اند برای خدمت وظیفه به اداره وظیفه عمومی تحویل و بقیه که خدمت وظیفه را انجام داده‌اند پرونده آنها به دادگاه نظامی احاله شود.

۳. تعداد ۶۱ نفر عناصری که بین ۱۰ الی ۱۷ سال دارند، پس از دادن تذکرات لازم و اخذ تعهدات کافی آزاد و به خانواده‌هایشان تحویل گردند.

۴. تعداد ۹۶ نفر متهمینی که دلایل و مدارک کافی در زمینه شرکت آنها در تظاهرات و فعالیت‌های مضره در دست نبوده و بی‌گناه می‌باشند،

با اخذ تعهد آزاد شوند.

۵. پنج نفر از اتباع پاکستانی و افغانی که دلایلی حاکی از شرکت آنها در تظاهرات موجود نبوده و بر اثر محاصره مدارس مذکور دستگیر و زندانی می‌باشند به کشورهای متبوعه خود عودت داده شوند.

با تقدیم یک جلد آلبوم محتوی عکس‌هایی از صحنه‌های مختلف تظاهرات که به وسیله مأمورین گرفته شده به استحضار می‌رساند که تحقیقات مداوم از عناصر دستگیر شده و اقدامات لازم به منظور دستیابی به افراد مرتبط با آنها و کسانی که در تظاهرات شرکت داشته و در حال حاضر متواری شده‌اند در جریان بوده و نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید...

ارتشبد نصیری در زیر این گزارش یادداشت کرده است:

۱. موافقت می‌شود، اقدام شود

۲. به جز بند ۳ از اعترافات و بند «ت» بقیه به طور خبر به روزنامه‌ها داده شود<sup>۱</sup>

به دنبال موافقت تیمسار نصیری با اعزام طلاب مشمول به نظام وظیفه، ساواک شماری از طلاب زندانی را در دو لیست جداگانه به اداره نظام وظیفه تحویل داد. ۳۸ تن از آنان در تاریخ ۵۴/۳/۳۱ به اداره نظام وظیفه تحول شدند. ۲۴ تن دیگر از آنان نیز در مرحله دوم به آن اداره اعزام گردیدند. ساواک در تاریخ ۵۴/۴/۲۱ زیر عنوان «اعزام طلاب اخلاک‌گر به حوزه نظام وظیفه» لیست طلابی را که به سربازی گسیل شده‌اند اعلام کرده است.



۱. بولتن ویژه ساواک، ش ۱۸۲۱، ۳۱۲، ۳۱۲، ۱۳۵۴/۳/۲۶، ص ۲ و ۳.



هیئت عالی نظام وظیفه  
 شماره ۵۳۳۳۳۳  
 مورخه ۱۳۹۴/۰۳/۰۵  
 جهت ۳۸ نفر متعین به کار در نظام وظیفه عمومی  
 به برابر یادداشت شماره آگهی دبیری ۳۸ نفر متعین نشود  
 سمیت به صورت فوری در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۵ با انقضای  
 در این نظام وظیفه عمومی تجویز گردیدند مراتب جهت  
 آگاهی اعدا میگردند

مدیر کلی اداره جوامع - کنگرلو


رزظیفه وزیر

مهر و امضاء

۱۳۹۴/۰۳/۰۵





  
 مجلس شورای اسلامی  
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 مرکز تحقیقات و نشر و مراعات از انسان  
 ۲۹۲

در این مراسم طلاب اخلاق گروه نظام و دیگر  
 به واسطه سه برگه فتوحی نسبت آسان به طلاب اخلاق  
 صورت گرفته است و در این مراسم و اعزاز کردن به مانند  
 جهت اخلاق و هر گویا تمام مکتب و مراعات از انسان  
 اینجوست ایام مبارک در - شما نسبت گنج افراد مذکور  
 بودند و گزارش در تشکیل گردیده است .

رئیس اداره بکرم خدمات و بررسی  
محل  
 ۱۳۳۳

۴۰۰-۹۹۰  
 ۴۴/۴۴  
 ۱۳۳۳  
 ۶۲-۶۲

سند شماره ۱۲ - ۱

## فهرست اعضای هیئت مدیره

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرت	فرمانده	تعداد رأی	تاریخ عضویت
۱	دکتر محسن تقی	تبریز	رئیس هیئت مدیره	۲۶	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۳	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۴	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۵	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۶	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۷	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۸	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۹	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۰	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۱	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۲	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۳	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۴	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۵	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۶	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۷	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۸	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۱۹	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۰	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۱	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۲	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۳	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۴	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۵	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۶	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۷	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۸	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۲۹	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵
۳۰	دکتر محسن تقی	تبریز	عضو هیئت مدیره	۱۱	۱۳۸۵/۰۵/۰۵



۱۳۳۴	احمدیان	۵۰	حرفی	مستزاد	۱۳۳۴	بازار
۱۳۳۵	ساز	۶۰۹	فلسفه	عمدی	۱۳۳۵	کتاب
۱۳۳۶	قزوين	۱۹	ابراهیم	محمدی	۱۳۳۶	کتاب
۱۳۳۷	ابریه	۵۲۲	علی ناصر	احمدی	۱۳۳۷	کتاب
۱۳۳۸	گوشان	۲۹	یوسف	علی آبادی	۱۳۳۸	کتاب
۱۳۳۹	قزوين	۱۲	سلیمان	آنتونی	۱۳۳۹	کتاب
۱۳۴۰	دستان	۲۱۲	ابوالقاسم	کتاب	۱۳۴۰	کتاب
۱۳۴۱	زاهدان	۲۲۲	درویش	محمدی	۱۳۴۱	کتاب
۱۳۴۲	رضیجان	۲	محمد	رحیمیان	۱۳۴۲	کتاب
۱۳۴۳	ساری	۲۵۱	محمدعلی	احمدی	۱۳۴۳	کتاب
۱۳۴۴	پوشش	۲۷۰	ولی	علی	۱۳۴۴	کتاب
۱۳۴۵	کاشان	۲۱۷	شجاع الدین	محمدی	۱۳۴۵	کتاب
۱۳۴۶	نقشبندی	۱۸	علی اکبر	داریوش	۱۳۴۶	کتاب
۱۳۴۷	کتاب		حسن	میرزا	۱۳۴۷	کتاب
۱۳۴۸	کتاب		محمد	شادروان	۱۳۴۸	کتاب
۱۳۴۹	کتاب	۱۱۱	خلیفه	محمدی	۱۳۴۹	کتاب
۱۳۵۰	کتاب	۱۱۱	کتاب	کتاب	۱۳۵۰	کتاب
۱۳۵۱	کتاب		کتاب	کتاب	۱۳۵۱	کتاب
۱۳۵۲	کتاب		کتاب	کتاب	۱۳۵۲	کتاب
۱۳۵۳	کتاب		کتاب	کتاب	۱۳۵۳	کتاب
۱۳۵۴	کتاب		کتاب	کتاب	۱۳۵۴	کتاب



فهرست اسامی طلاب تکلیفی

تاریخ تولد	نام و نام خانوادگی	کلاس تحصیلی	نام
۱۳۳۸	محمد حسینی	پانزدهم	۱- حسن
۱۳۳۶	علی حسینی	شانزدهم	۲- مراد الهی
۱۳۳۶	مرتضی حسینی	دوازدهم	۳- آریاس
۱۳۳۹	مراد علی	هفدهم	۴- قاسم
۱۳۳۰	مصطفی حسینی	کلاس ممتاز دوره	۵- کمال الهی
۱۳۳۰	سید یحیی حسینی	پانزدهم	۶- امیراله حسینی
۱۳۳۳	مصطفی حسینی	دهم	۷- مصطفی
۱۳۳۴	سید امیر گنار	خانه علمی	۸- محمد
۱۳۳۰	سید عباس	پانزدهم	۹- سید محمد
۱۳۳۰	عزیز مراد	پانزدهم	۱۰- علی
۱۳۳۰	عبدالعزیز	هفدهم	۱۱- آریاس
۱۳۳۳	علی حسینی	پانزدهم	۱۲- مراد
۱۳۳۶	زهرا الهی	پانزدهم	۱۳- زین
۱۳۳۰	احمد	پانزدهم	۱۴- محمد
۱۳۳۹	اکبر حسینی	پانزدهم	۱۵- محمد
۱۳۳۶	مصطفی حسینی	دهم	۱۶- زین
۱۳۳۹	امیراله حسینی	پانزدهم	۱۷- مصطفی
۱۳۳۸	احمد	پانزدهم	۱۸- علی
۱۳۳۹	سید محمد	پانزدهم	۱۹- سید امیر
۱۳۳۰	مصطفی حسینی	پانزدهم	۲۰- آریاس
۱۳۳۶	حسن	پانزدهم	۲۱- قاسم
۱۳۳۹	سید حسن	پانزدهم	۲۲- کمال
۱۳۳۹	سید یحیی	پانزدهم	۲۳- محمد
۱۳۳۰	امیر گنار	پانزدهم	۲۴- آریاس

بایسته یادآوری است طلابی را که به سربازخانه‌ها گسیل داشتند، معافیت تحصیلی داشتند و در مدت تحصیل از معافیت برخوردار بودند و تحویل آنان به اداره نظام وظیفه برخلاف قانون بود، اما رژیم شاه هیچ‌گاه به قانون بها نمی‌داد و به نام قانون و نظام مشروطه حکومت استبدادی را دنبال می‌کرد و همانند دوران پیش از استقرار نظام مشروطه «رأی» و «فرمان» شاه و «اوامر ملوکانه» حکم قانون را داشت؛ از این رو، می‌بینیم ساواک طی نامه‌ای به فرماندهی ژاندارمری کشور پیرامون «اعزام طلاب» به اداره نظام وظیفه چنین نوشته است:

... تعدادی از طلاب علوم دینی که صلاحیت ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه را ندارند به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر جهت انجام خدمت به اداره وظیفه عمومی طبق لیست پیوست معرفی و اعزام می‌گردند.

خواهشمند است دستور فرمایید پیش‌بینی‌های لازم را معمول دارند تا در موقع معرفی و اعزام نامبردگان به اداره وظیفه عمومی اشکالی پیش نیاید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور. ارتشبد نصیری





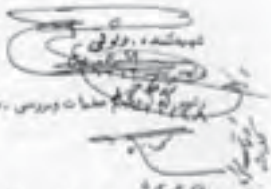
### اخلاص و حرمانه

نویسنده: دکتر محمد علی باقری  
محل نشر: تهران  
تاریخ: ۱۳۸۵  
شماره: ۴۷

#### مقدمه

تعداد و ارزش طلب علوم در پی که صلاحیت است از همه تخصصی‌ترین  
حوزه‌ها و رشته‌ها گرفته‌اند، بنابراین محتاج به امری است که در تمام این تخصص‌ها  
تفاوت داشته‌اند آنجا که هر چه است انجام همه به آن راه و دارند و در همه  
تخصص‌ها به صورت عمومی و اعمام مشترکند. در اینجا بحث است  
در سطور بالا که به بیان صلاحیت آن راه و به صورت آن راه که از علوم عمومی و  
اعمام تا صورت آن راه و داشته‌اند عمومی است که در این سطور  
را به بیان آن راه و صلاحیت آن راه و به صورت آن راه که در این سطور  
از طرف

۳۶۶



در این سطور به بیان آن راه و به صورت آن راه که در این سطور  
از طرف

ساواک در گزارش‌های خود پیرامون آمار و ارقام دستگیرشدگان فیضیه و نیز در مورد شمار طلابی که به نظام وظیفه اعزام شدند، نتوانسته است آمار دقیق و درستی ارائه دهد. درباره دستگیرشدگان از ۲۴۳ نفر تا ۲۷۲ نفر و تا ۳۰۰ و اندی نفر در گزارش‌ها آمده است؛ شاید یک علت آن دستگیری طلاب و روحانیانی بوده است که توانسته بودند، هنگام یورش کماندوها از صحنه بگریزند و در فرصت‌های دیگر در قم و در برخی از شهرستان‌ها شناسایی و دستگیر شدند؛ علت دیگر به پریشانی، سرآسیمگی و نداشتن تمرکز فکری مأموران و مقامات ساواک برمی‌گردد که در برابر خیزش و خروش رعدآسای فرزندان فیضیه خود را باخته و سرگشته و آشفته شده بودند. از این رو، می‌بینیم در گزارش‌های نخستین، شمار طلابی را که به سربازخانه روانه کردند در دو لیست جداگانه ۳۸ نفر و ۲۴ نفر نمایانند، لیکن نامه رئیس ساواک کل کشور به فرماندهی ژاندارمری - که بدان اشاره شد - همراه با نام‌های ۶۸ تن از طلاب علوم اسلامی، می‌باشد؛ با وجود این در زیرنویس نامه یادشده آمده است:

صورت اسامی ۳۹ نفر که مجدداً به وسیله بخش ۳۱۲ تنظیم شده بود به تیمسار سرلشکر دولو قاجار داده شد... بقیه افراد در روز ۵۴/۳/۳۱ به بلوار الیزابت اداره وظیفه عمومی به سرکار سرهنگ اتابکی تحویل داده شود.

### بازتاب‌ها و واکنش‌ها

همزمان با یورش کماندوها به مدرسه فیضیه، شاه در یک سخنرانی، قیام ۱۵ خرداد را مورد حمله و اهانت قرار داد و از هم‌صدایی دانشجویان و حوزة در گرامیداشت آن روز حماسی اظهار شگفتی و حیرت کرد. شاه در سخنان خود که نگرانی و ناآرامی و خشم و کین از آن نمایان بود، چنین گفت:

پریروز یا یک روز پیش تر در محیط دانشگاهی ایران منجمله دانشگاه تهران، ما شعارهایی دیدیم عجیب یعنی با همان عناصر بی‌وطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد. ملاحظه بکنید! ۱۵ خرداد. معنای آن چه بود؟ یک دقیقه پیش گفتم چطور ممکن است یک ایرانی آن روز سیاه و کثیف را گرامی بدارد؟! این از دهن مرتجع سیاه و بی‌وطن سرخ درمی‌آید. البته این را میل دارم مطالعه کنید. گو اینکه یک چیز عجیبی نیست... ولی معلوم می‌شود این دو



دسته در یک چیز با هم شریک هستند و آن در کجروی و بدسلیقگی. این را بدم نمی‌آید اگر خانم‌ها و آقایان به خودشان زحمت می‌دادند که در اطراف این موضوع یک قدری بررسی و غور کنند که اصلاً یک کسی چطور از خودش خجالت نمی‌کشد که بیاید و به اصطلاح ارتجاع سیاهی را که باعث بدبختی این مملکت می‌شد تجلیل کند...<sup>۱</sup>

به دنبال این گفتار شاه، روزنامه‌های وابسته به دربار نیز بر ضد قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به سمپاشی و جوسازی دست زدند و تظاهرات دلاوران فیضیه در خرداد ۵۴ را حرکتی ارتجاعی و توطئه کمونیستی وانمود کردند و تلاش کردند آن را به زیر سؤال ببرند.

رویداد خرداد ۵۴، موجی از خشم و نگرانی در سراسر کشور پدید آورد. خبر یورش کماندوها به فیضیه و سرکوب طلاب و دستگیری دسته جمعی آنان، در حوزه‌های علمی، محافل روحانی، مجامع مذهبی و در میان عموم مردم، به ویژه کسانی که فرزندانشان در قم به تحصیل علوم اسلامی سرگرم بودند، بازتاب ناگواری به همراه داشت و مایه نگرانی و بی‌قراری همگان شد و خشم و کین مردم را نسبت به رژیم شاه فزونی بخشید و بسیاری از روحانیان و مردم را به جنب و جوش و تکاپو واداشت. نخستین واکنش از سوی علمای قم بود که در اعتراض به جنایات مأموران شاه در فیضیه بی‌درنگ نماز جماعت را تعطیل کردند. دیگر پیشنمازهای قم نیز در قم و برخی از شهرها از حضور در مساجد و برگزاری نماز جماعت خودداری ورزیدند. علمای تراز اول قم در روز ۱۸ خرداد ۵۴ برای رایزنی و تصمیم‌گیری پیرامون فاجعه فیضیه در بیت بنیانگذار حوزه قم (آیت‌الله حائری یزدی) گرد آمدند. اساتید، روحانیان و طلاب قم نیز به عنوان اظهار همدردی و پشتیبانی از دلاوران فیضیه به اعتراض برخاستند و دست به تظاهرات زدند و در جلوی منزل آیت‌الله حائری اجتماع کردند و از علما که در آن منزل نشست داشتند، خواستند که وظیفه آنان را در برابر جنایات رژیم شاه در فیضیه روشن کنند.

علما در این نشست به نتایج ذیل رسیدند:

۱. نمایندگان به زندان شهربانی بفرستند و برای مداوای زخمی‌شدگان و برطرف کردن نیازمندی‌های دستگیرشدگان اقدام کنند.
۲. از دستگیرشدگان، آنان که همسر و فرزند دارند، شناسایی شوند و به همسر و فرزندان‌شان از نظر مادی کمک کنند.
۳. برای خنثی کردن پیرایه کمونیستی و دیگر نسبت‌های ناروا که از سوی دستگاه



تبلیغاتی رژیم شاه به طلاب دستگیر شده روا داشته شده است، نامه‌هایی به دیگر مقامات روحانی بنویسند و از دستگیرشدگان پشتیبانی کنند.

۴. اقدامی ریشه‌ای برای بازگیری مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفاء به عمل آورند. ساواک قم در تلگرامی به تهران چنین گزارش داده است:

... ساعت ۱۰ روز جاری آیات شریعتمداری، گلپایگانی، نجفی جهت تبادل نظر پیرامون اوضاع و احوال اخیر حوزه به منزل شیخ مرتضی حائری رفته و تعداد کثیری از طلاب در کوچه و جلو درب منزل مذکور اجتماع نمودند. پس از مدتی با اصرار طلاب درب منزل باز و آنان را به داخل هدایت کردند. شیخ مرتضی حائری به نمایندگی از طرف آیات از اتاق خارج شده و با گریه و التماس از طلاب خواست به خاطر حفظ حوزه دست از اجتماع و تظاهرات بردارند و اصلاح امور را به عهده مراجع واگذار کنند و به طلاب قول مساعد داد که با تماس با مقامات، مدرسه فیضیه را تحویل بگیرد و نمایندگانی جهت ملاقات با دستگیرشدگان از طرف مراجع اعزام دارند که در نتیجه طلاب ساعت ۱۲۰۰ متفرق شده و جلسه آیات نیز در ساعت ۱۲۳۰ خاتمه پذیرفت. از جانب شریعتمداری، ابوالفضل فیض مشکینی، از جانب گلپایگانی، شاکری از طرف نجفی مرعشی، شرعی شیرازی و دو نفر طلبه به اسامی سیدحسن طاهری خرم‌آبادی و موسوی توپسرکانی به نمایندگی طلاب تعیین گردیده که ضمن مراجعه به شهربانی از وضع و حال دستگیرشدگان و مجروحین جویا شده و در صورت لزوم کمک‌هایی به آنان بنمایند. ضمناً تا آنجایی که کسب اطلاع شده نتیجه مذاکرات آیات در سه مورد اصلی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱- تسریع در پرداخت شهریه و تعطیل مدارس، به منظور متفرق کردن طلاب و خلوت کردن حوزه.

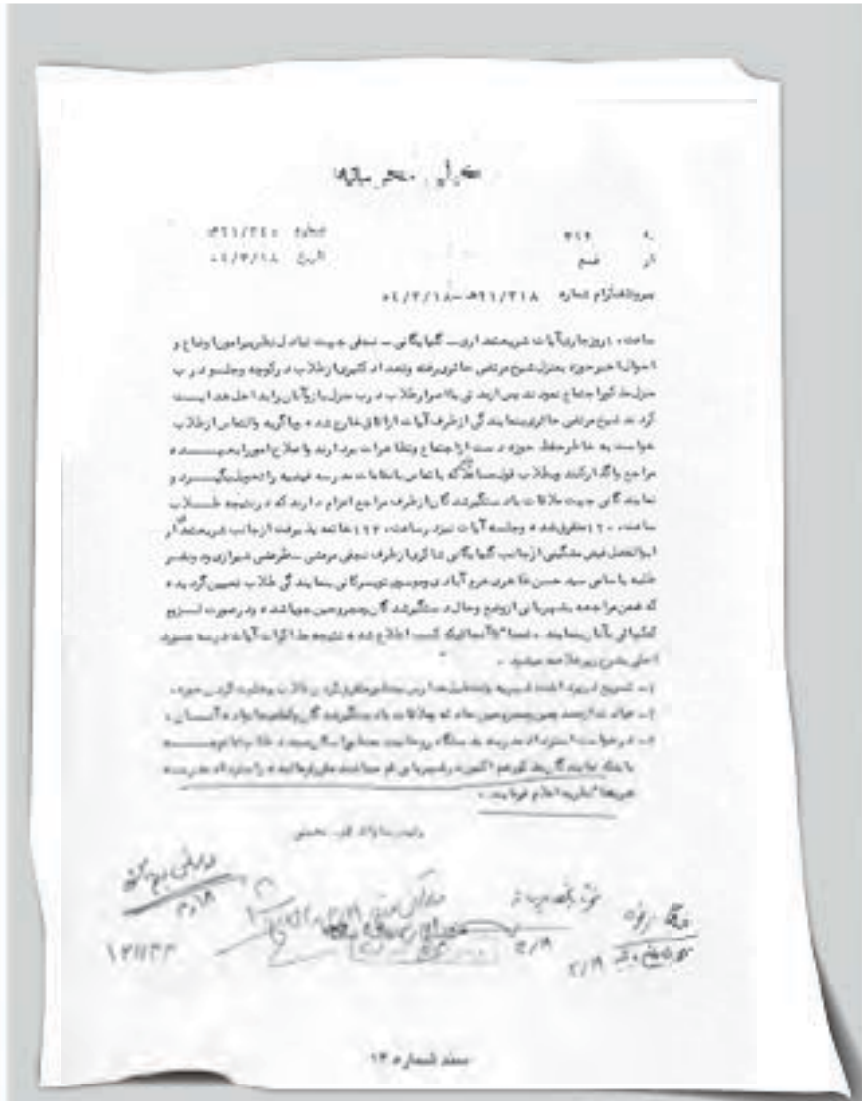
۲- عیادت از مصدومین و مجروحین حادثه و ملاقات با دستگیرشدگان و کمک به خانواده آنان.

۳- درخواست استرداد مدرسه، به دستگاه روحانیت به منظور اسکان مجدد طلاب.

با توجه به اینکه نمایندگان مذکور هم اکنون در شهربانی قم می‌باشند



مقرر فرمایید در استرداد مدرسه صریحاً نظریه اعلام فرمایند. رئیس ساواک قم. معینی



۳۷۰  
بخش ویژه  
دوره سوم - سال سیزدهم - شماره ۴۷ - بهار ۹۵

از پاسخی که تیمسار نصیری به صورت یادداشت داده است، کینه او نسبت به حماسه آفرینان فیضیه به درستی آشکار می شود. در پاسخ او آمده است:

۱- کوچک ترین ارفاقی نسبت به این افراد نباید کرد، اینها همان ارتجاع سیاه هستند. در اخبار اعمال آنها درج شود.

۲- محرکین اصلی تحت تعقیب قرار گیرند و مشمولین به نظام وظیفه بروند و شدیداً باید در خدمت وظیفه تحت مراقبت و خدمت سخت انجام دهند.

۳- رئیس ساواک قم به آقایان آیات قم بگوید آنچه استنباط می شود اینها با موافقت و حمایت شما به این اعمال دست زده اند و پیغام شما یک عمل ظاهری بوده است و کمک و دیدار از فامیل آنها خود بهترین دلیل است.

این افراد دیگر به قم حق مراجعت ندارند و چنانچه به این روش ادامه دهید به جز آنکه به حوزه قم صدمه بخورد نتیجه دیگری عاید شما نخواهد شد...





اگر یک کاره ای که نیت زود آمد کند  
 اینها را در شرح برده است  
 و با باره های آنرا معطل کند

۱۲ و کجا امن نیست و اگر کند در نزد خدایم بگویند  
 و شبها آید در خدمت خدیو است و در وقت

وقت اینها را در میان  
 ۱۳ هر روز یک فرم - تا این وقت تمام بگوید آنچه از خواب  
 - ایضا با بیاد است و وقت تمام بگوید آنچه از خواب  
 و بیخواب بگوید که در خواب دیده است و بگوید  
 از خواب ایضا از هر روز ۵ دقیقه است ایضا از خواب  
 دیگر به تم عمل را معیت می آورند و جای که می باشد  
 از خواب دیدم جز آنکه در حوزه علیی تم صورتی بود  
 نمود دیگر / تا به کجا می توانی کند

توجه  
 همه در خدمت خدیو  
 ایضا از خواب  
 ایضا از خواب  
 ایضا از خواب  
 ایضا از خواب

سنة شمار ۱۵

این دستورالعمل که از آن بوی خون می آید، عظمت و برجستگی خروش فیضیه و نقش آن در شکستن خفقان بازآمده از حزب رستاخیز و نیز نگرانی و آشفتگی که برای رژیم شاه در پی داشت را تا پایه‌ای آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که رئیس ساواک ایران با خشم و کین به خود رخصت می‌دهد بدون مجوز قانونی، آن قهرمانان را برای همیشه از بازگشت به قم به گمان خود بازدارد!! و حوزه قم را از عناصر سلحشور، پرشور، زنده و رزمنده تهی سازد تا آن حوزه به گورستانی خاموش بدل شود. او و دیگر سردمداران شاه بر این باور بودند که خیزش و خروش در قم، ریشه در فعالیت این چند صد تن طلبه‌ای دارد که در ۱۵ خرداد ۵۴ لرزه بر اندام کاخ‌نشینان افکندند و بر چهره غمبار و خاک‌گرفته ایران نور پاشیدند و به آن جان بخشیدند. آنها نمی‌توانستند در بایند که رهروان راستین راه خمینی و فرزندان انقلابی آن رهبر سترک در سراسر ایران، برای پدید آوردن رستاخیزی عمومی و انقلابی اسلامی آماده می‌شوند و آن حماسه‌ای که در ۱۵ خرداد ۵۴ در قم به نمایش در آمد، به زودی در سراسر ایران جلوه‌گر خواهد شد و کاخ‌ها را فرو خواهد ریخت و قدرت پوشالی شاه و ساواک را در هم خواهد شکست. دستگاه امنیتی شاه بر آن بود دلاوران فیضیه را به گونه‌ای کیفر دهد که از همگان زهر چشم بگیرد.

شاه و ساواک دنبال پیاده کردن این نقشه بودند که خیزش فیضیه را یک جریان مارکسیستی بنمایانند که ریشه در توطئه بلوک شرق بر ضد رژیم شاه و سیاست‌های امریکا در ایران دارد و با خواست ملت ایران که همگی یک دست و یک زبان پشت سر شاه ایستاده! و به حزب رستاخیز پیوسته‌اند! هیچ گونه ارتباطی ندارد! لیکن پشتیبانی آیات قم از حماسه‌آفرینان فیضیه می‌توانست این نقشه شاه را با شکست روبه‌رو کند؛ از این رو، می‌بینیم تیمسار نصیری در یادداشت خود، برای بازداشتن علمای قم از پشتیبانی نسبت به تظاهر کنندگان فیضیه و دلاورمردان قیام ۱۷ خرداد خط و نشان می‌کشد و تهدید می‌کند: «... چنانچه به این روش ادامه دهید به جز آنکه به حوزه علمیه قم صدمه بخورد، نتیجه دیگری عاید شما نخواهد شد...!» لیکن این بیم دادن و خط و نشان کشیدن نتوانست علمای قم را از وظیفه و مسئولیتی که در آن برهه بر دوش داشتند باز بدارد. آیات قم بنابر تصمیمی که در بیت آیت‌الله حائری باریزنی و هم‌اندیشی گرفته بودند، به پخش نامه‌هایی دست زدند و در این نامه‌ها از «طلاب و محصلین علوم دینی» که بی‌گناه مورد «ضرب و جرح قرار گرفته» و به زندان کشیده شده بودند حمایت کردند. در نامه آقای سیدمحمد رضا گلپایگانی به آقای سید احمد خوانساری آمده است:





بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری دامت  
برکاته

با ابلاغ سلام و استفسار از سلامت وجود محترم، به طوری که استحضار  
دارید، چند روز پیش عده‌ای از مأمورین به مدرسه فیضیه و دارالشفاء  
حمله کردند و درب و پنجره‌ها را شکستند و جمعی از طلاب و محصلین  
علوم دینی را مضروب و مجروح و بازداشت نمودند. این فاجعه ناگوار  
موجب تأثر عمیق حقیر و جامعه روحانیت گردید. تهمت‌های ناروایی  
که در مطبوعات نسبت به روحانیت درج شده، تکذیب می‌شود و ساحت  
مقدس روحانیت شیعه از تأیید مرام کمونیسم منزّه و مبراست. مستدعی  
است به هر نحو مقتضی می‌دانید عاجلاً برای رفع منع از مدرسه فیضیه  
و دارالشفاء و آزادی طلاب و زندانیان بی‌گناه اقدام فرمایید تا رفع نگرانی  
شود و تذکر دهید جراید را از توهین به مقدسات اسلامی باز دارند  
و بیش از این موجبات نگرانی مسلمانان را فراهم ننمایند. سلامت و  
دوام تأییدات وجود مبارک را از خداوند متعال مسئلت دارم. تاریخ غره  
ج ۹۵/۲،<sup>۱</sup> محمدرضا الموسوی الگلپایگانی<sup>۲</sup>

آقای شهاب‌الدین مرعشی نجفی نیز نامه‌ای خطاب به آقای سید احمد آشتیانی نوشته  
است:

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله آقای آشتیانی دامت برکاته  
به عرض محترم عالی می‌رساند: از ساحت قدس ربوبی دوام توفیق  
و تأییدات سرکار را مسئلت می‌نماید. غرض از تصدیع چنانچه خاطر  
شریف مستحضر شده حادثه ناگوار حمله ناجوانمردانه به مدرسه فیضیه  
که منجر به خسارات زیاد و ضرب و شتم و هتک و دستگیری جماعتی از  
طلاب و محصلین محترم علوم دینیه گردید، موجب تأثر و تأسف عمیق  
داعی و کلیه اهل علم حوزه مقدسه علمیه قم و سایر طبقات مؤمنین و  
جریحه‌دار شدن قلوب شده چنانچه این مطلب را در نوشته سابق متذکر

۱. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۱

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

شدم. و مزید بر علت مفتریات و اکاذیب واضحہ بعضی از جراید در مورد دستگیر شدگان می باشد.

جای بسی تأسف است که این اسنادهای ناروا از حیث افعال و مرام به طلاب علوم دینیہ کہ از سربازان مذهب و ولی عصر (عج) می باشند داده شود. لذا مصدع شده امید است در ترمیم این خصوص و استخلاص محبوسین بی گناه معجلاً اقدام فرموده تا رفع نگرانی عموم خاصه روحانیون بشود. بدیہی است نتیجہ را ہر چہ زودتر اعلام خواهید فرمود. در خاتمہ مستدعی دعا بہ جهت رفع این گرفتاری ہا می باشم. والسلام خیر ختام. فی ۲ج/ ۱۳۹۵/۲،<sup>۱</sup> شہاب الدین الحسینی المرعشی النجفی<sup>۲</sup> آقای سید کاظم شریعتمداری نیز در اعلامیہ کوتاہی آورده است:

بسمہ تعالی

حادثہ مولمہ و گرفتاری طلاب مدرسہ فیضیہ و دارالشفاء موجب کمال تأسف و تأثر است. روحانیت شیعہ و حوزہ علمیہ قم با مرام کمونیستی و مادگیری بہ ہیچ وجہ و قسمی امکان سازش ندارد و طلاب بازداشت شدہ از مدرسہ فیضیہ و دارالشفاء ہیچ کدام وارد این مرام نیستند و آنچه در جراید نوشتہ شدہ است صحیح نیست و تکذیب می شود. از خداوند متعال مسئلت می نمایم آقایان طلابی کہ گرفتار شدہ اند بہ زودی مستخلص شوند. ۳ جمادی الثانی ۱۳۹۵،<sup>۳</sup> سید کاظم شریعتمداری<sup>۴</sup>

آقای سید محمد صادق روحانی نیز در نامہ ای خطاب بہ آقای میلانی آورده بود:

بسمہ تعالی والیہ المشتکی

حضرت آیت اللہ میلانی دامت برکاتہ

با یک دنیا تأثر و ناراحتی بہ عرض مبارک می رساند در چند روز قبل عدہ ای از طلاب و محصلین جوان و متدین در مدرسہ فیضیہ و دارالشفاء بہ بہانہ آنکہ دو شب قبل از آن، مجلس ختمی حسب المعمول برای شہدا گرفته بودند، مورد حملہ مسلحانہ ناجوانمردانہ کماندوہای

۱. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۲

۲. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامہ انقلاب اسلامی.

۳. برابر با ۱۳۵۴/۳/۲۳

۴. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامہ انقلاب اسلامی.





دولتی اعزام شده از تهران قرار می‌گیرند و در حدود یک ساعت آنها را مورد ضربات شدید قرار می‌دهند که تا حال نمی‌دانیم چند نفر مرده‌اند و چند نفر جراحات خطرناک دارند. چون نتوانستیم از نزدیک شاهد اوضاع باشیم و در تمام این مدت از عزیزان ما غیر از الله اکبر و ان تنصرو الله ینصرکم و دعوت یکدیگر به استقامت و مواسات، چیزی نقل نشده و پس از آن آنها را به شهربانی برده‌اند و در مسیر راه هم آنها را کتک می‌زده‌اند و پس از ۲۴ ساعت آنها را با وضع دلخراشی منتقل به تهران نموده‌اند و از همان وقت تا حال هر دو مدرسه با ااثیه طلاب در تحت اختیار دولتی هاست و بعد از آن روزنامه‌ها آنچه ممکن بوده است نسبت‌های دروغ و بی‌اساس و ناروا به آنها داده و وقاحت را به جایی رسانده‌اند که راستی روی تاریخ را سیاه و موجب خشم و نفرت عمومی قرار گرفته‌اند. به هر حال خواسته‌های خود را بعرض می‌رساند و تقاضا می‌شود با مصادر امر تماس گرفته و انجام فوری آنها را بخواهید.

۱. رسیدگی فوری به وضع طلاب زندانی و مداوای آنان و بالاخره آزادی از زندان؛

۲. عدم تعرض دولتی‌ها به طلاب قم، چون مرتب ایجاد ناراحتی برای آنها می‌نمایند؛

۳. پس دادن ااثیه؛

۴. تحویل دادن فیضیه و دارالشفاء به زعمای حوزه بدون قید و شرط؛

۵. توبیخ روزنامه‌نویس‌ها و جلوگیری از اهانت بیشتر به مقدسات دینی؛

۶. رسیدگی جدی در اصل قضیه و مجازات مأمورینی که مرتکب خلاف شده‌اند.

در خاتمه منتظر اقدام فوری و اعلام نتیجه می‌باشم. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته ۳/۲/۹۵، محمدصادق الحسینی الروحانی

برخی از روحانیان مبارز قم برای پخش این نامه‌ها به شکل‌های پلی‌کپی، تاپپی، فتوکپی و... تلاش و کوشش پیگیر و فراوانی داشتند و گاهی نیز این نامه‌ها را همراه با پیش‌نویسی روشنگرانه پراکنده می‌ساختند که نمونه‌هایی از آن را در پی می‌آوریم:



### بسم الله المنتقم القهار

خردادماه جاری شاهد فاجعه بزرگ و حادثه‌ای خونین بود. طلاب و محصلین محترم حوزه علمیه قم در روز ۱۵ خرداد به خاطر تجلیل از شهدای این روز تاریخی و اظهار تنفر و انزجار از حزب پلیسی و فاشیستی شاه (که زما و مراجع تقلید شفاهاً و کتباً شرکت در آن را تحریم فرموده‌اند) و همچنین به منظور اعلان مخالفت با انتخابات قلابی و پوشالی هیئت حاکمه، مجلسی در مدرسه فیضیه سرپا کردند و به دنبال آن تظاهرات پرشوری انجام دادند. پلیس و مزدوران مسلح رژیم از غروب شب ۱۶ تا عصر روز ۱۷ خرداد، دو مدرسه فیضیه و دارالشفاء را در اشغال نظامی خود درآورده، آب و برق را قطع نموده و از رسیدن آذوقه به طلاب جلوگیری کردند. روز هفدهم هلی کوپتر نظامی و اعزامی شخص شاه، منطقه را زیر نظر گرفت و حتی عکسبرداری‌هایی از محوطه داخلی دو مدرسه نیز به عمل آورد و سپس صدها تن از افراد گارد که از تهران فرستاده شده بودند به اتفاق چند صد رأس ژاندارم و پلیس به مدرسه ریختند، طلاب بی پناه را به شدت مجروح و مصدوم نموده، ده‌ها نفرشان را از بالای بام به زیر انداختند، سر و دست گروهی از آنان را شکسته و حتی عده‌ای از آنها در این حادثه جان دادند. کتاب‌های مذهبی و درسی و اثاثیه‌های آنان را پاره پاره و لگدمال کردند. این جانان آدمخوار حتی قرآن‌ها را زیر لگد پاره پاره کرده و در و پنجره‌ها را شکستند.

به دنبال این حادثه درس‌ها و نمازهای جماعت در سرتاسر قم به عنوان اعتراض به این یورش و حشيانه، تعطیل شد و روحانیون خشم و نفرت خود را از این عمل ناجوانمردانه عمال شاه ابراز نمودند.

و اینک متن رنجامه مرجع معظم تقلید حضرت آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی مدظله را که به منظور محکوم کردن رژیم شاه که عامل اصلی این فاجعه می‌باشد، به استحضار عموم مسلمین می‌رسانیم...





بسم الله الرحمن الرحيم

مخاطب را طوری نگاه داشته‌اند که هرگاه او بر این بنا . . . تأثیر ستاین سخن خود سلب نکنند . . .  
 و روز ۲۵ خرداد به نظر جوانان از آنها ویا بر روز دایره و اشیا رنگی و انگیزان از سر به نفس و لایحه‌های  
 ( که بهمان ) و مراجع دولتی نهادها و کتبه مکتوبه آنرا تحریر فرموده‌اند ) و همین به نظر اشک حالت کال  
 اعتمادت و تقیر و بودایر بیعت تا کتبه . جاسی در غربت انجمنه - خیرا که نه و بدانیال آن نظرات بهر سخن  
 انعام داده ، پاس و مجازان سلج رستم از اروپا شده . تا عصر روز ۲۵ خرداد ، دو خنده اشبه و تاربه  
 ۱۳۵۲ را بر افعال نامی خود آرا برده ، آب و من . را خلق نموده و از زمین آلوده جالبه نظر کوری گرفته  
 بدخیم طوری که نامی و امرای هر دو ، متعانه را زیر نظر گرفت و حتی کشید و رویا کز عجزه داشته بود  
 چیده این به نظر آید بر سر نهادن من از افراد گریه که از سیران فرساده بود . بوده ، می‌توان چکند و می‌توان  
 و پاس بهره ریخته ، تقوی به باد ، را بهت حیرت و جعفر نبوده همه با نظریان را از باقیان نیز با تمام  
 بر دست گویان از آنان را شکته و حتی همه او را از آنها بر این خنده جان دادند - کتابها و خطبای و خبری  
 را نامه طای آن را یاره یاره و لاله مال گرفته ، این جانان آفرینار حتی کسب آنجا را زیر ۱۵  
 این یاره کزده و در و بهره ، ظا را شکته - بدانیال این خنده جبری با و نظریان و بیعت و در این رسم  
 نشان امیران با این خبر و حیثیات ، متعلق به و روابط و غیر . و نظریان همه را از این من نامی استوار  
 می‌توان یاد . ایران نبوده .  
 بر اندک سخن راننده . . . . . روح سخن بداند خیرت آید الله العالی آن گویا یکسایر . . . خدایه  
 یا نه به نظر حکمران رزم شاه که تا طو امیران این لایحه من با نه نامی مختار صبر جاسی نبوده ام .

بسم الله الرحمن الرحيم

خیرت صحاب آید الله العالی و حاجت آید انوار شاد و نامتبرکانه  
 با احوال و اخبار از نامتبرک سخن مکتوبه استخوان دایره دیده روز بعد از آن نامتبرک  
 معجزه ایمنه و باران افلا . خنده کزده و ابریم دیده تا یا شکته و سیرا ز کثیر بخشید نظر و سخن یا  
 سب و حیرت و بازیچه نبوده . این نامه ناگوار خوب آنرا صبی طبر و طایفه رویه کسب است  
 کوه . . . . . می‌توان از آنرا که در خنده استوار است . خبر ده . کتاب سینه و نامتبرک است  
 - . . . . . این نامه حرام کوهس طره و جگر آمد . جاسی این نامه و نفسی همه ایمنه طایفه بر این نامه  
 از غایبه ایمنه و در افلا و آردن کتبه و زاده نامی بر کسب . اخبار ایمنه . تاریخ نگاری سینه  
 و لاکر دیده ، ابراه را از نوبت نشانی استوار از یاره و سیرا از این سینه . نگارای سینه  
 در تمام ایمنه . . . . . حکمت و عوام تأیید و عوام مبارک را . رخاورد سینه سینه ایمنه .

تاریخ تاج ۱۳۵۲ خ . . . . . خطه ریخته انوار کتیا که بر  
 ( خطبای مبارک )

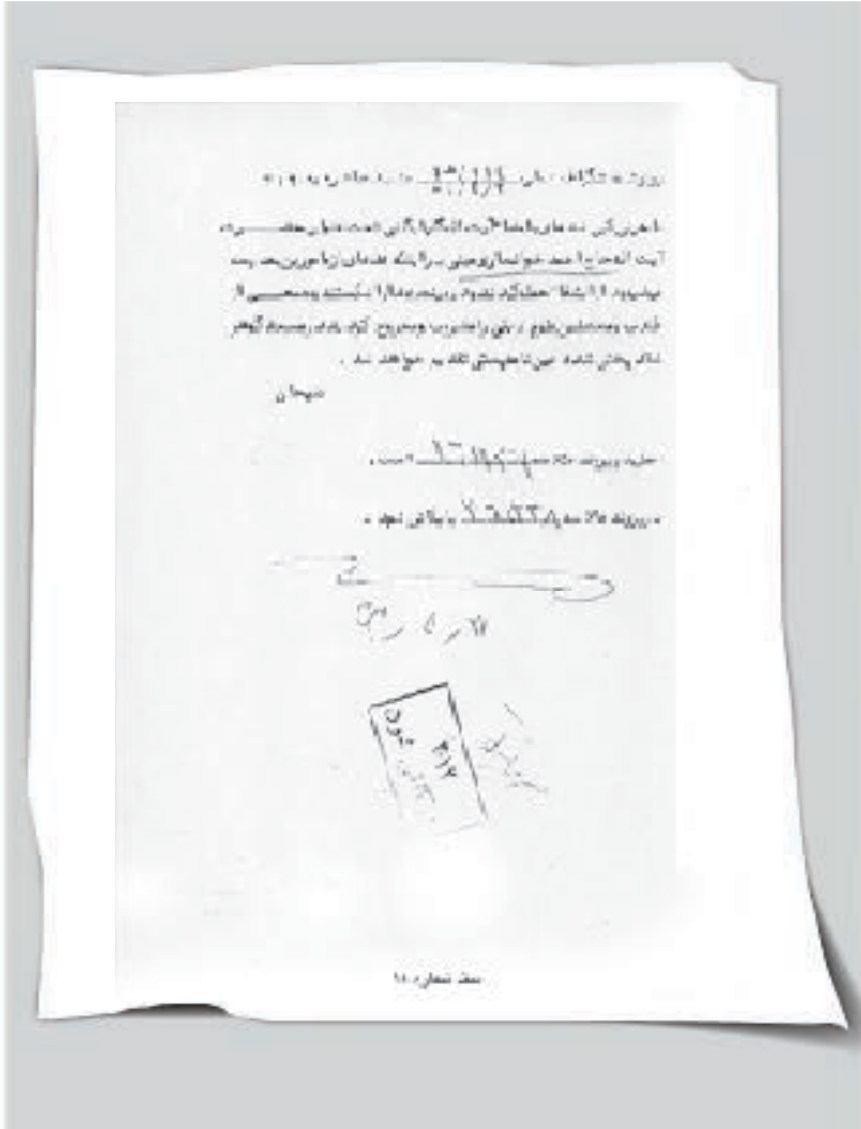
در پیش‌نویس دیگری می‌خوانیم:  
به نام خدای توانا

۱۵ خرداد ۴۲ در اوج شکوفایی و عظمت خویش در بستر زمان جاری شد و بحق نقطه تحولی در تاریخ مبارزات توده‌های رنج‌دیده ما بود. از همان زمان بود که فرزندان عزیز خلق یعنی پیشگامان نبرد مسلحانه ایران، به ضرورت جهاد خویش و نقش گلوله در پیشبرد تاریخ ملت‌ها پی بردند و به دنبال آن تکاملی در امر مبارزه ملی صورت گرفت. دستگاه فاشیستی و ضد مردمی شاه که پیوسته می‌کوشید حادثه خونین ۱۵ خرداد را در افکار مردم میهن ما وارونه جلوه دهد، از به یاد آوردن آن روز و آن حادثه که در حقیقت لکه ننگی بود بر دودمان کثیف پهلوی، پیوسته وحشت داشت. به همین سبب به دنبال شعارهای انقلابی دانشگاه‌های ایران در روز ۱۵ خرداد ۵۴ و همچنین پس از اطلاع از تظاهرات پرشور طلاب و محصلین حوزه علمیه قم که در شب ۱۶ و ۱۷ خردادماه صورت گرفت، شاه بی‌وطن این مرتجع مزدور، صبح روز ۱۷ خرداد، در حالی که از خشم و عصبانیت می‌لرزید، در یک سخنرانی گفت: باز همان عناصر بی‌وطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند «گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد». شاه می‌کوشد تا انقلابیون مسلح خلق را بی‌وطن سرخ و روحانیت مترقی و بیدار شیعه را مرتجع سیاه بنامد ولی غافلست که توده‌های ما فریب این دغ‌لکاری‌ها و نقشه‌های اهریمنی را نخواهند خورد. شاه کوشید تا ۱۵ خرداد را از خاطره‌ها محو کند در حالی که پس از ۱۳ سال، هفدهم خرداد می‌هم بر آن اضافه گشت. کوشش کرد تا به وسیله روزنامه‌های وابسته به دربار، چهره این فریادگران پر تلاش را مسخ کند که مراجع تقلید و روحانیون بزرگ در این میان به پا خاستند و با مشقت محکم به دهن او کوبیدند که دامن پاک روحانیت از این تهمت‌های شه‌ساخته منزه است. و اینک توجه شما را به دو سند گویا و زنده در این زمینه از حضرت آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری دامت برکاته و حضرت آیت‌الله روحانی مدظله معطوف می‌داریم...





دیری نیاید که خبر فاجعه فیضیه در ۱۷ خرداد ۵۴ در استان‌ها و شهرهای گوناگون ایران، بازتاب یافت. ساواک مشهد طی گزارشی، از پخش نامه آقای گلپایگانی به آقای خوانساری در مسجد گوهرشاد، خبر داد؛ ساواک همدان نیز رسیدن این نامه برای یکی از علمای آن شهر را گزارش کرد.





روزنامه اشکرافت شماره ۱۱۱۱ / ۱۱ / ۱۳۹۴ - سال شانزدهم - شماره ۴۰۹

روزنامه اشکرافت با احترام و علاقه فراوانی که به عنوان مدیر آن خدمت می‌نمایند و توانسته اند تا به امروز  
 به این سطح از اعتبار و اطمینان به دست آورند، از همان کادر و کفایت انسانی که در این مجموعه حاضرین بوده و هستند  
 و در این سالها و همچنین با تلاش و پایداری که در این راه داشته‌اند تا به امروز می‌توانیم بگوییم که این مجموعه  
 که در این روزها به این سطح از اعتبار و اطمینان دست یافته است، به سبب تلاش و پایداری و روحیه ایثار و ایستادگی  
 کتبی و شفاهی همه و همکاران است. ما با این تیم می‌توانیم در این راه و تلاش‌ها و پایداری‌ها  
 ادامه دهیم و تا آنجا که لازم باشد هر چه در توان داریم در اختیار شما قرار می‌دهیم.

حسنی

اسمیه زینباده کلاهی  
 مدیر روزنامه اشکرافت

۱۱ / ۱۳۹۴

۱۱ / ۱۳۹۴

۱۱ / ۱۳۹۴

در پی بازتاب فاجعه ۱۷ خرداد فیضیه در مشهد و آگاهی علما و روحانیان این شهر از جنایت‌های رژیم شاه در قم و زدن و کشتن و دستگیر کردن طلاب، حوزه علمی مشهد نیز در روز ۵۴/۳/۱۹ به عنوان اظهار همدردی با قم تعطیل شد. برخی از اساتید آن حوزه سر کلاس درس طی سخنرانی، آنچه را که در قم روی داده بود برای شاگردان درس خود بیان کردند. حوزه مشهد در ماتم فرو رفت. شماری از روحانیان و طلاب حوزه مشهد به تظاهرات دست زدند و در پشتیبانی از امام، حوزه قم و دستگیرشدگان شعار دادند و جنایت‌های شاه را محکوم کردند. ساواک در گزارشی زیر عنوان «اعتراض چهار نفر از مدرسین حوزه علمیه مشهد و تعطیل دروس حوزه، به علت دستگیری طلاب اخلاک‌گرا شهرستان قم» آورده است:

روز ۵۴/۳/۱۹ چهار نفر از مدرسین حوزه علمیه مشهد به شرح اسامی زیر به عنوان اعتراض به دستگیری اخیر طلاب اخلاک‌گرا مدارس فیضیه و دارالشفاء شهرستان قم در جلسه درس خود حاضر نشده و دروس حوزه علمیه مذکور را تعطیل نموده‌اند:

۱- سید عبدالکریم هاشمی نژاد ۲- میرزا جواد آقا تهرانی ۳- میرزا علی فلسفی ۴- حسینعلی مروارید  
ارزیابی خبر: صحت دارد  
اقدامات انجام شده:

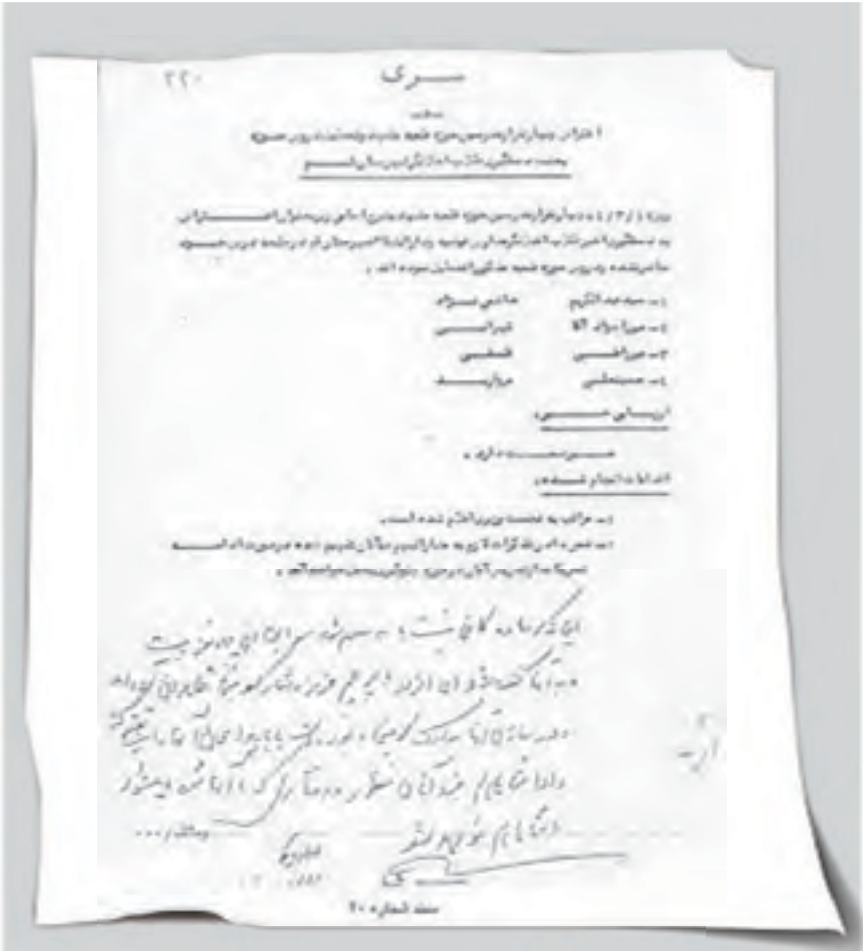
- ۱- مراتب به نخست‌وزیری اعلام شده است.
  - ۲- ضمن دادن تذکرات لازم به مشارالیه‌هم، به آنان تفهیم شده در صورت ادامه تحریکات از تدریس آنان در حوزه جلوگیری به عمل خواهد آمد.
- تیمسار نصیری در زیر این گزارش فرمانی صادر کرده که از کینه شدید او نسبت به





فریادگران فیضیه و ضربه سنگین حرکت آنان به نظام شاه و دستگاه امنیتی ساواک نشان دارد؛ او پی نوشت کرده است:

این تذکر ساده کافی نیست. باید معلوم شود سوابق این چهار نفر چیست و به آنها گفته شود این افراد با پرچم قرمز و شعار کمونیستی تظاهراتی کرده‌اند و در منازل آنها مدارک کمونیستی وجود داشته یا باید اعمال آنها را تقبیح کنید و الا شماها هم جزو آنها منظور و رفتاری که با آنها شده و می شود با شماها هم خواهد شد.



سری

۲۲۰

افراد به نام زیر در میان گروه فیضیه و ضربه و دستگیر شده اند

- ۱- محمد اکرم
- ۲- میرزا آقا
- ۳- میرزا حسن
- ۴- میرزا حسن

این سوابق است

فهرست اسامی افراد

افراد به نام زیر در میان گروه

و در تاریخ به دستگیر شده اند

این افراد در تاریخ ۱۳۰۷ در تهران دستگیر شدند

این تذکره که کتبی است، به سه مرتبه در این روزها در دست  
 می آید و حدیثی که از زبان پرچم قرمز به گوش می خورد این گونه است  
 و در تاریخ ۱۳۰۷ در تهران دستگیر شدند و به نام زیر  
 و در تاریخ ۱۳۰۷ در تهران دستگیر شدند و به نام زیر  
 دستگیر شدند

محله شماره ۹۰



در پی این فرمان، دو تن از اساتید حوزه مشهد به نام‌های سید عبدالکریم هاشمی نژاد و شیخ عباس واعظ طبسی بازداشت شدند؛ ساواک دیگر اساتید آن حوزه را که به عنوان اظهار همدردی با قم درس‌های خود را تعطیل کرده بودند- مانند میرزا جواد آقاتهرانی، شیخ حسینعلی مروارید و میرزا علی آقای فلسفی- به سبب جایگاه ویژه‌ای که در میان مردم مشهد داشتند، نتوانست دستگیر کند.

در پی دستگیری و بازداشت آقای هاشمی نژاد و آقای واعظ طبسی، ۱۲ تن از طلاب حوزه مشهد که در پشتیبانی از حماسه‌آفرینان فیضیه تظاهرات کرده بودند دستگیر شدند. نام‌های دستگیرشدگان چنین است:

۱- سید احمد توسلی فرزند حاج میرزا بابا ۲- نورالله خائفی فرزند حاج فرج ۳- علی جعفری معروف به اردم‌ای فرزند محمد اسماعیل ۴- محمد حسن جعفری فرزند عباسعلی ۵- محمد رضا باقری فرزند حیدر ۶- علی نمایی ملا فرزند محمد حسین ۷- محمد حسین شجاعی فرزند میرزا محمد ۸- یحیی نصرآبادی فرزند عبدالصمد ۹- احمد علی باقری فرزند باباقلی ۱۰- اسحق زاهدیان فرزند ابوالقاسم ۱۱- سید حامد هاشمی فرزند میر حمزه ۱۲- احمد نجاری فرزند حسن

با اینکه دستگیرشدگان هرگونه شرکت در تظاهرات و انگیختن دیگران به شور و شورش را رد کرده و آن را نادرست اعلام کردند بازجوی ساواک چنین نظر داده است:

... اظهارات ۱۲ نفر طلاب در مورد عدم شرکت در تظاهرات و دادن

شعار مضره کذب بوده و شرکت نامبردگان در تظاهرات و دادن شعار به نفع خمینی محرز می‌باشد. سید حبیب‌الله هاشمی نژاد [سید عبدالکریم] از روحانیون ناراحت و مخالف رژیم بوده و تاکنون سه بار بازداشت و ۲ ماه محکومیت حاصل کرده و روز جمعه ۵۴/۳/۲۳ با وجودی که ممنوع‌المنبر بوده مجلسی در منزل خود ترتیب و با سخنرانی طلاب را تحریک نموده است. وی در همان مجلس اظهار نموده طلاب حق طلب را بازداشت می‌کنند و آنان را کمونیست می‌نامند. که منظورش اشاره به حوادث اخیر قم بوده است. لذا اتهام منتسبه به یادشده محرز و مسلم می‌باشد. شیخ عباس واعظ طبسی نیز از روحانیون مخالف رژیم بوده و از سال ۴۲ فعالیت داشته و چند بار بازداشت و سه ماه محکومیت داشته است. اتهام منتسبه به وی نیز مسلم و محرز است...





**مجله علمی و معاصر**  
 شماره: \_\_\_\_\_  
 نام: \_\_\_\_\_  
 نام خانوادگی: \_\_\_\_\_  
 آدرس: \_\_\_\_\_  
 شهر: \_\_\_\_\_  
 استان: \_\_\_\_\_  
 کد پستی: \_\_\_\_\_  
 تلفن: \_\_\_\_\_  
 تاریخ: \_\_\_\_\_

شماره ۴۷

مجله علمی و معاصر در این شماره به بررسی و تحلیل برخی از جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی و فرهنگی ایران پرداخته است. در این شماره به بررسی و تحلیل برخی از جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی و فرهنگی ایران پرداخته است. در این شماره به بررسی و تحلیل برخی از جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی و فرهنگی ایران پرداخته است.

۱- تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران  
 ۲- تحولات اقتصادی و اجتماعی در ایران  
 ۳- تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران  
 ۴- تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران  
 ۵- تحولات اقتصادی و اجتماعی در ایران  
 ۶- تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران  
 ۷- تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران  
 ۸- تحولات اقتصادی و اجتماعی در ایران  
 ۹- تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران  
 ۱۰- تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران

دبیر: \_\_\_\_\_  
 مدیر: \_\_\_\_\_  
 سردبیر: \_\_\_\_\_  
 معاون: \_\_\_\_\_  
 ناشر: \_\_\_\_\_  
 چاپ: \_\_\_\_\_  
 توزیع: \_\_\_\_\_  
 آگهی: \_\_\_\_\_  
 حق چاپ: \_\_\_\_\_

شماره ۴۷

مردم مسلمان و مبارز ایران نیز با آگاهی از فاجعه خونبار فیضیه، سخت به خشم آمدند و به رگم خفقان شدید و جو پلیسی، در حد توان خود واکنش نشان دادند. شماری از مردم نیکوکار و نیک سرشت به قم شتافتند و با برقراری ارتباط با نمایندگان امام در قم به خانواده بازداشت شدگان فیضیه کمک رسانیدند. برخی از اصناف با صدور اعلامیه‌هایی، با روحانیان مبارز قم اظهار همدردی کردند. شهربانی قم در گزارشی به ساواک آن شهرستان، از پخش «دو برگ اعلامیه اهل بازار» خبر داده است. در این گزارش آمده است:

... برابر گزارش یکان وابسته، شب گذشته دو برگ اعلامیه پلی کیپی شده تحت عنوان (ابراز همدردی اهل بازار با روحانیون قم و شماره دوم نشریه آزادی جوانان مبارز قم و کاشان) به دست آمده که در آنها نوشته شده در حادثه اخیر مدرسه فیضیه بیش از ده نفر به شهادت رسیده و چهل نفر از طلاب و بیست نفر از کماندوها به سختی مجروح گردیده‌اند...



رئیس ساواک قم نیز بی درنگ این خبر را به تهران گزارش کرده و کپی آن دو اعلامیه را به مرکز فرستاده است.



برخی از گروه‌های سیاسی مانند «سازمان مجاهدین خلق» نیز طی اعلامیه‌ای به بررسی و تحلیل خیزش و خروش فیضیه پرداخته و آن را برآیند جنبش مسلحانه وانمود کرده که «خروش نوینی در میان روحانیون مبارز به وجود آورد»!!

... این مبارزات در ابتدا به صورت نهضت آیت‌الله خمینی با پشتیبانی خلق مسلمان ما متجلی شد و با یورش وحشیانه و بی‌سابقه رژیم خائن به کودی نسبی دچار شد. مبارزین به زندان افتادند و شکنجه شدند. سعیدی‌ها و غفاری‌ها در زیر شکنجه جان سپردند و عده‌ای از آنها نیز به تبعیدگاه‌ها روانه شدند... بالاخره بعد از ظهر روز ۱۷ خرداد فرمان حمله از جانب شاه خائن صادر می‌شود. کماندوهای شهربانی و ساواک... به مدرسه حمله می‌کنند. زد و خوردی خونین درمی‌گیرد. کماندوهای رژیم که از انجام هیچ عمل خائنانه‌ای ابا ندارند و وحشیانه فجایع ننگین ۱۵ خرداد ۴۲ را تکرار می‌کنند.

آنچه از این عملیات به جا می‌ماند جسدهای خونین کشتگان و بدن‌های غرق در خون مصدومین در کف حیات مدرسه است. اما آنچه در این عملیات چشمگیر بوده مقاومت دلیرانه برادران روحانی است که در زیر ضربات وحشیانه گارد شعارهای انقلابی می‌دادند و آیات جهاد زمزمه می‌کردند؛ به طوری که در یک مورد طبق گفته یک شاهد عینی چند مزدور گارد با تجهیزات خویش روحانی جوانی را زیر ضربات خویش گرفته و به شدت او را کتک می‌زدند. ضربات باتوم‌ها به قدری بود که شاهدین ماجرا امیدی به زنده ماندن این روحانی مبارز نداشتند و او دائماً در زیر ضربات، قطعه شعر زیر را زمزمه می‌کرد:

والله ان قطعتموا یمینی  
انی احامی ابدان دینی...<sup>۱</sup>

۱. سازمان یادشده در این اعلامیه خود، از موضع سیاست‌مداری ورزیده و پیش‌کسوتی آزموده به بررسی کاستی‌ها و نادرستی‌های خیزش فیضیه نشسته و به اصطلاح رهنمودهایی داده است! و نخستین و بزرگ‌ترین «نقصی» که خیزش فیضیه از دید سازمان داشته است «علنی بودن آن در شرایط خفقان پلیسی حاکم است و به همین خاطر است که ضرباتی را که از جانب رژیم مزدور متحمل می‌شوند، سخت و مهلک است»!!  
این اندیشه تنها به سردمداران این سازمان محدود نبود، بیشتر گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در آن دوران بر این باور بودند که اعلامیه دادن و سخنرانی کردن و تظاهرات و... نوعی انتحار سیاسی است! و امام با اعلامیه‌هایی که صادر می‌کند و با فراخوانی مردم به تظاهرات و راهپیمایی‌ها، نیروهای مبارز را به چنگ ساواک می‌اندازد و در واقع به هدر می‌دهد؛ باید نیروها را سازماندهی کرد و آماده ساخت تا سیاست جهانی دگرگون شود! و با چراغ سبز قدرتمندان جهانی و در چارچوب ستایش آنان پیش رفت. لیکن امام با اعلامیه‌ها و روشنگری‌ها و مردم با تظاهرات و حماسه‌آفرینی‌های خود توانستند جو خفقان را بشکنند، نهضت را پیش ببرند و انقلاب بیافرینند.





## جوسازی رسانه‌ای

واکنش گسترده عالمان اسلامی و پیشوایان روحانی و عموم مردم ایران در برابر فاجعه ۱۷ خرداد و پشتیبانی آنان از دلاور مردان فیضیه، رژیم شاه را بیش از پیش هراسان و آشفته کرد. شاه و دستیاران او دریافتند که دروغ‌پردازی‌های آنان در مورد قیام فیضیه و ادعای اینکه آن جریان یک حرکت کمونیستی بوده نتوانسته است مردم را فریب دهد و نسبت به آن رویداد ذهنیت منفی پدید آورد. رژیم شاه نمی‌توانست باور کند که در میان ملت ایران تا آن پایه فرومایه و بی‌اعتبار است که اگر بگوید ماست سفید است، مردم در درستی آن دچار تردید می‌شوند. شاه به جای اینکه از بی‌اعتمادی ملت نسبت به سخنان او و دستگاه تبلیغاتی ایران پند بگیرد و به دروغ‌پردازی‌ها و جوسازی‌ها پایان دهد، با پندار اینکه حتماً تبلیغات بر ضد جریان فیضیه کوتاه و نارسا بوده، دستور داد که روی سمپاشی‌ها و نارواگویی‌ها بر ضد حماسه فیضیه بیش از پیش سرمایه‌گذاری کنند و دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی، بر ضد آن حماسه خونین جار و جنجال بیشتری به راه اندازند. اینجا بود که روزنامه‌های وابسته به رژیم شاه با برنامه گسترده‌تری، به صحنه آمدند و به تبلیغات دروغین بر ضد حماسه آفرینان فیضیه دست زدند. در روزنامه‌های آن روز ایران این عناوین به چشم می‌خورد:

- عوامل ارتجاع سرخ و سیاه در قم پرچم سرخ برافراشتند و شعار کمونیستی دادند.
- افراد نقاب‌دار در قم بلوای خیابانی به راه انداختند.
- نقابداران با چوب و چماق در و پنجره مدارس را شکستند و به مأموران حمله کردند.
- کتب کمونیستی و مدارک و اسناد در دو مدرسه دینی به دست مأموران افتاد.
- بمب و مواد منفجره در مدارس دینی قم کشف شد.
- اخلاک‌گران به مدارس دینی قم خسارت وارد کردند.
- تظاهرات نقاب‌داران با تأسف عمیق مراجع تقلید و روحانیون روبه‌رو شد.
- کلیه اخلاک‌گران در حوادث قم شناخته شدند و بازداشت گردیدند و به زودی پرونده اتهامی آنان برای رسیدگی قانونی به مراجع قضایی ذی صلاح فرستاده خواهد شد...<sup>۱</sup>

- اخلاالگران در قم دست به اغتشاش زدند.
- اخلاالگران ماسک به صورت زده، شعار کمونیستی می دادند و پرچم سرخ برافراشته بودند و با چوپ و چماق به مأموران انتظامی حمله بردند.
- عده‌ای از محرکین و اخلاالگران شناخته و بازداشت شدند.
- در بازرسی محل سکونت اخلاالگران بمب دست‌ساز کشف شد.





- اسرار بلوای قم فاش شد.
- عوامل ارتجاع سرخ و سیاه در قم با هم اتحاد بستند.
- اخلاصگران می خواستند مانع مشارکت مردم در انتخابات شوند.
- آشوبگران اعتراف کردند که معتقد به اصول انقلاب نیستند و به سه اصل رستاخیز ایمان ندارند.
- یک روحانی نما که پسرش از عوامل مارکسیست اسلامی است طلاب را تحریک به ایجاد بلوا کرد.
- آشوبگران محصلین حوزه‌های علمیه قم را به مبارزه مسلحانه دعوت می کردند...<sup>۱</sup>

بازتاب سازنده، بیدارکننده و شور و شعورآفرین حماسه فیضیه و ۱۵ خرداد در میان ملت تا آن پایه گسترده و دامنه‌دار بود که رژیم شاه دستپاچه و شتاب زده به واکنش نسنجیده و جوسازی، دروغ‌پردازی و عربده‌کشی دست زد و هر روز روزنامه‌ها را به نگارش مقاله‌ها و یادداشت‌های دیکته‌شده وادار می کرد، تا شاید بتواند از موج‌آفرینی خیزش و خروش فیضیه در میان ملت ایران پیشگیری کند.

روزنامه کیهان در تاریخ ۲۱ خرداد ۵۴ نوشته‌ای را به چاپ رسانده است که می‌توان در آن، پایه و درجه بیم و هراس رژیم شاه از نهضت اسلامی و خروش پیروان امام در ایران را به درستی دید. در این نوشته تلاش شده است که چند موضوع ناروا و دور از واقعیت به باور ملت ایران برسد:

۱. اینکه شعار مرگ بر شاه و دیگر شعارهای ضد نظام شاهی در فیضیه ریشه در اندیشه کمونیست‌ها دارد و این گونه شعارها نمی‌تواند از سوی روحانیان و توده‌های مسلمان مطرح شود. نویسنده این مقاله بر آن بود با این شگرد، دین‌باوران اسلامی را نسبت به نهضت روحانیت هراسان سازد و برای آنان ذهنیت منفی پدید آورد.

۲. با مطرح کردن این دروغ که نهضت اسلامی ایران دنبال آن است که «زن زیر رو بند باشد» و خرافه‌پرستی را رواج دهد و... نیروهای روشنفکر و دانشگاهی را از حوزه و روحانیت دور کند و دیوار سیاه رضاخانی میان حوزه و دانشگاه را - که در پی نهضت امام فروپاشید - بار دیگر بنیاد نهد.

۳. به کشاورزان و زنان ایرانی نیز بیاوراند که اگر نهضت اسلامی ایران پیروز شود، آنان را از حقوق و آزادی باز می‌دارد و زمین‌هایی را که در پی به اصطلاح «اصلاحات ارضی شاه»!



به کشاورزان رسیده است به مالکان و زمین داران بازمی گرداند!  
۴. اینکه اسلام راستین، همانا اسلام شاهنشاهی است!! و نهضت امام و اندیشه‌های او با اصول اسلامی همخوانی ندارد!

در این یادداشت، زیر عنوان «تکنی کالرها و چوب زیر بغل» آمده است:

... ردای قهوه‌ای، دستار سفید، شال کمر سبز، ریش حنایی و پرچم سرخ شاید اگر اشعه ایکس به کار می بردیم قلب سیاه و ذهن سیاه تر را نیز می دیدیم. سخن از یک شخصیت کاریکاتوری در یک کمدی تکنی کالر نیست. از کسانی سخن می گوئیم که می کوشند پلی پوشالی میان کمونیسم و خرافه بزنند.

گروهی از این افراد در این هفته در قم آفتابی شدند، سر و صدایی به راه انداختند، در و پنجره‌ای را شکستند و سپس از صحنه بیرون رانده شدند. منطق آنها چوب و چماقی بود که همراه داشتند. اما باید دید آنها چه می خواهند و چه می گویند؟ نمایشگران قم شعارهای کمونیستی می دادند. آنها یا به شعارهای خود اعتقاد دارند یا ندارند، اگر اعتقاد ندارند که باید گفت آلت دست دشمنان کشور شده‌اند یا به خاطر خالی کردن عقده‌های خود چپ آوازه افکندن را انتخاب کرده‌اند، اگر از سوی دیگر آنها به شعارهای خود اعتقاد دارند باید گفت که مردم ایران اجازه نخواهند داد یک ایدئولوژی بیگانه به آنها تحمیل شود. ما ممکن است بسیار مسائل اجتماعی داشته باشیم، اما مجبور نیستیم برای حل این مسائل به کتاب دعا‌های قرن نوزدهم اروپا متوسل شویم. از این گذشته دیده‌ایم که تحمیل کمونیسم بر کشورهای گوناگون نتایج چندان درخشانی نداشته است. پس این کالا در ایران خریداری ندارد. نزدیک به ۵۰ سال فشار خارجی و داخلی در این زمینه نتوانسته است این واقعیت را عوض کند و نخواهد توانست. پرسوناژهای تکنی کالرها، در همان حال از خرافه سخن می گویند، به زعم آنان زن باید زیر رو بنده باشد و گر نه باید به رویش اسید پاشید. اصلاحات ارضی - به گفته بعضی سردمداران آنها - مغایر شریعت است، منشور انقلاب ایران، به طور کلی، از نظر این افراد پذیرفتنی نیست. خوب، کدام انسان عاقلی ممکن است این مزخرفات را بپذیرد و اصرار ورزد که ایران به عهد بوق باز گردد. می توان طرح‌ها و



پیشنهادهایی برای نتیجه‌گیری بهتر از اصلاحات ارضی داد اما تخطئه اصل دادن زمین به زارعی که در آن کار می‌کند، نشانه کوری سیاسی و ضدیت با مردم است. می‌توان گفت که فلان اصل انقلاب خوب اجرا نمی‌شود اما تخطئه اصولی که هدفشان مشارکت بیشتر مردم در درآمد کشور و تحکیم حاکمیت ملی بر منابع طبیعی است به قلمرو سفسطه تعلق دارد.

اسلام دین ترقی و تساوی است. دینی است که یکی از نخستین اقداماتش جلوگیری از زنده به گور کردن نوزادان دختر بود. دینی است که کسب علم و به کار گرفتن شیوه‌های نو را وظیفه پیروان خود می‌داند... اما اسلام در به کار گرفتن ابزار پیشرفت و امروزی شدن نیازمند چوب زیر بغل نیست. در حالی که تکنی‌کالرها مارکسیسم را به عنوان یک چوب زیر بغل برای اسلام توصیه می‌کنند. بدین سان آن‌ها در یک زمان هم اسلام را ناتوان اعلام می‌کنند و هم مارکسیسم را. فرهنگ ما یک فرهنگ اسلامی است و اگر هویت اسلامی خود را از دست بدهیم تقریباً هیچ چیز نخواهیم بود...<sup>۱</sup>



رژیم شاه بهتر از هر کسی می‌دانست که مبارزه روحانیان و خیزش قم هیچ‌گونه ارتباطی با کمونیسم ندارد و فرزندان فیضیه با الهام از مکتب قرآن به پا خاسته و خواهان سرنگونی نظام شاه هستند. و از آنجا که به درستی دریافته بود اندیشه براندازی

۱. کیهان، ۱۳۵۴/۳/۲۱.

و ضدشاهی که ریشه در مذهب دارد می‌تواند خطر جدی و ریشه‌ای برای تاج و تخت شاه باشد، آن‌گونه سرآسیمه، آشفته و شتاب‌زده به سمپاشی و جوسازی دست زده بود و تبلیغات ناهنجار و زنجیره‌ای بر ضد حماسه فیضیه و حماسه آفرینان خرداد ۵۴ به راه انداخته بود.

پیرایه انتساب قیام طلاب مدرسه فیضیه قم به کمونیسم و غیره، احمقانه‌ترین اقدام مطبوعات رژیم پهلوی بود. امام در پشتیبانی از فریادگران فیضیه، اعلامیه‌ای خطاب به ملت ایران صادر کرد. متن آن اعلامیه در پی می‌آید:

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ شهر رجب ۱۳۹۵

خدمت عموم ملت شجاع و مظلوم ایران - ایدهم الله تعالی  
اخبار واصله از ایران، دنبال شکست مفتضحانه شاه در حزب بازی جدید، با آنکه موجب کمال تأسف و تأثر است مایه امید و طلیعه درخشان آزادی است. تأسف از آنکه در عصری که ملت‌ها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج می‌شوند و استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند، ملت بزرگ مسلم ایران با گماشته شدن یکی از مرتجع‌ترین افراد و یکی از عمال بی‌چون و چرای استعمار و سایه افکندن و حشتناک‌ترین استبداد و حشیانه بر سرتاسر کشور، از تمام شئون آزادی محروم و با جمیع مظاهر استبداد و ارتجاع دست به گریبان هستند. سازمان امنیت ایران به دستور شاه به صورت اداره تفتیش عقاید قرون وسطایی درآمده و با مخالفان حزب تحمیلی شاه، که اکثریت قاطع ملت متدین است، با انواع تهدیدها و اهانت‌ها و ضرب‌ها و شکنجه‌های وحشیانه رفتار می‌کنند. ملت ایران، از علمای دین تا دانشگاهی و از بازاری تا زارع و از کارگر تا اداری و کارمند جزء، باید معتقد به عقیده شاه باشند؛ گرچه بر خلاف اسلام و مصالح مسلمین و ملت باشد، گرچه استقلال ملت و آزادی همه را بر باد دهد! و در صورت تخلف، سرنواشت آنها ضرب‌ها و حبس‌ها و شکنجه‌ها و محرومیت‌ها از حقوق انسانی است و متخلفین «مرتجع سیاه» و «بی‌وطن سرخ» اند و باید سرکوب شوند. تأسف از سرکوب کردن ملت مظلوم، و هجوم به دانشگاه‌های سراسر کشور. تأسف از واقعه جانسوز هفده خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه





و دارالشفاء- که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد- و یورش بی رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام سر و کاری ندارند، و شکستن سر و دست‌ها و در و پنجره‌ها و کوبیدن تا سرحد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی پناه را از پشت بام‌ها (به جرم اظهار عقیده بر خلاف حزب شاهی و به جرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد) که به حسب نقل بعض مطبوعات خارجی، عدد مقتولین به ۴۵ نفر و عدد مجروحین بسیار است که در بیمارستان‌ها پذیرفته نشده‌اند؛ و بیش از سیصد نفر در زندان‌ها به سر می‌برند که سرنوشت آنها معلوم نیست. این است وضع کشور مترقی! این است معیار دموکراسی شاه! این است حال مملکت آزاد مردان و آزاد زنان! تأسف از وضع مطبوعات ایران که مستقیماً زیر نظر سازمان اداره می‌شوند، و هر چه دیکته کنند می‌نویسند و هر تهمت‌ی خواستند به هر مقامی می‌زنند.

ولی با همه مصیبت‌ها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاه‌های سرتاسر ایران- به حسب اعتراف شاه- و مخالفت علمای اعلام و محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدری‌ها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است. شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنه، نمونه بیداری و پیروزی است.

اینجانب به ملت بزرگ ایران پس از تسلیت در این مصیبت‌های دلخراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت- علیه‌السلام- و تسلیت در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و هفده خرداد ۵۴، تبریک می‌گویم بر این روشنفکری و آزادمنشی! تبریک می‌گویم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و عمال خبیث آن!

سلام من بر مقتولین و مصدومین ۱۵ خرداد! سلام من بر مصدومین و مظلومین هفده خرداد! سلام من بر طبقات اهل علم و خطبای محترم! سلام من بر جوانان غیر تمند دانشگاه‌های ایران! سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیر قانونی مشت محکم بر دهان یابوہ سرایان زدند و وفاداری خود را به

اسلام و مسلمین ثابت کردند! سلام من بر زندانیانی که در راه هدف مقدس اسلام در زیر شکنجه به سر می‌برند! سلام من بر جوانان و دانشجویان غیرتمند ایرانی خارج کشور که با کوشش ارزنده خود به اسلام و برادران مسلم خود خدمت می‌کنند و فجایع استعمار و عمال آن را برملا می‌کنند.

من در این لحظه‌های آخر عمر، نگرانی‌های فراوان دارم. خوف از آن دارم که این شخص، که با هر حيله‌ای متشبث شد مواجه با مخالفت ملت و طبقه جوان شد، بیش از این مبتلای به تشنج اعصاب شود و ملت مظلوم را بیش از این به خاک و خون کشد و با تهمت «مرتجع سیاه» و «بی‌وطن سرخ»، علمای اسلام و دانشمندان و روشنفکران را قتل عام کند. به خداوند متعال از شر عناصر خبیثه پناه می‌برم و قطع ایادی اجانب را مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمت‌الله. روح‌الله الموسوی الخمینی<sup>۱</sup>

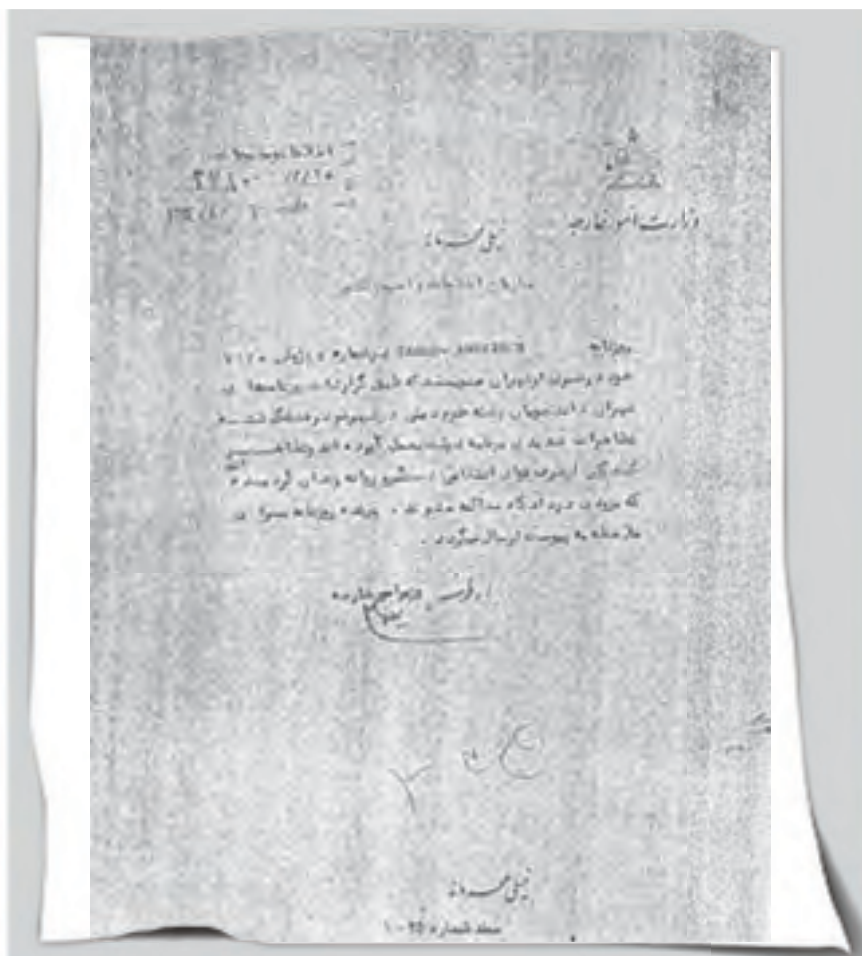
### دستاوردهای قیام فیضیه

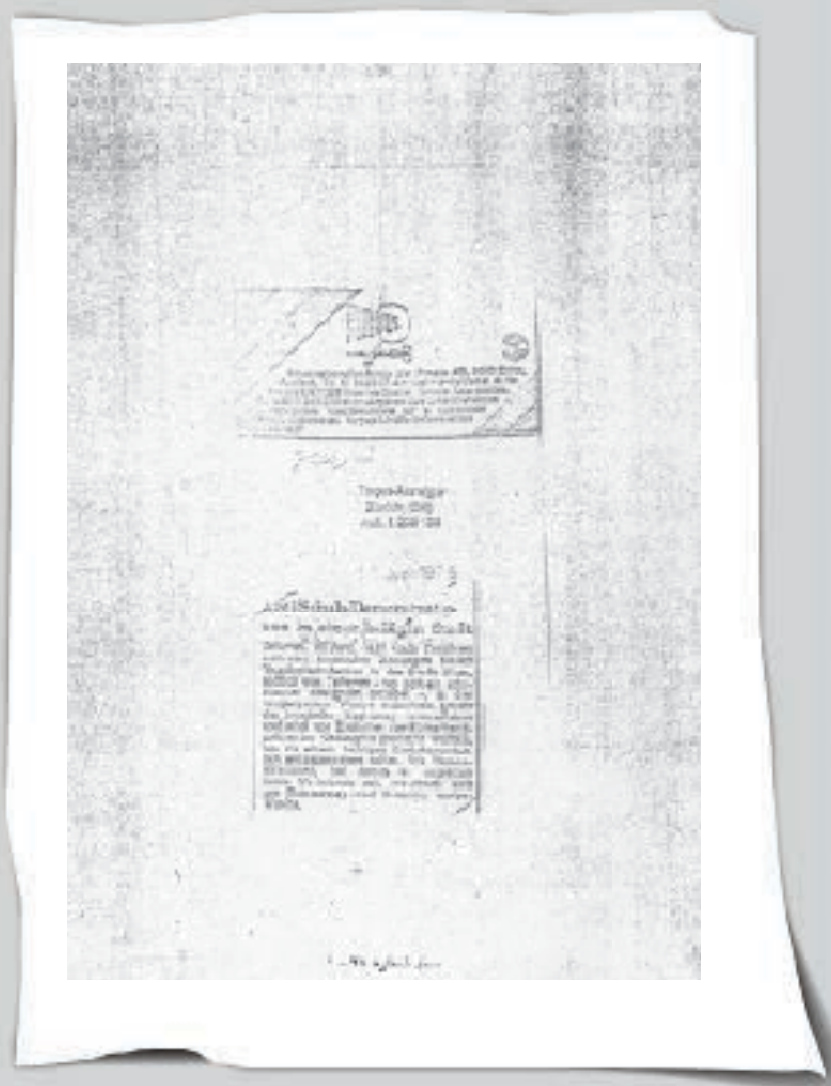
خروش فیضیه به رغم جوسازی‌ها و سمپاشی‌های گسترده رژیم شاه توانست در آسمان تیره و تار سرزمین ایران رعد و برق پدید آورد و نور امید در دل‌ها بتاباند، نهضت امام را اوج بخشد، موج‌ها بیافریند، راه نوینی برای شورش و خیزش باز کند، صدای فرزندان فیضیه را در سراسر ایران طنین انداز سازد و مایه رویش شود و دستاوردهای پرباری به همراه آورد؛ هر چند در این راه برخی از طلاب بی‌گناه - بنابر گزارش خبرگزاری‌های برون مرزی - به شهادت رسیدند، شماری به اداره نظام وظیفه گسیل شدند و با رفتار خشن و اهانت بار فرماندهان نظامی روبه‌رو بودند و رنج‌ها بردند. شماری نیز در دادگاه‌های فرمایشی نظامی بازندان‌های درازمدت کیفر دیدند. طلاب بازداشتی که به زندان محکوم شدند، بیش از یکصد نفر بودند که از ۶ ماه تا ۱۵ سال کیفر گرفتند. با وجود این، خروش فیضیه در ۱۵ خرداد ۵۴ دستاوردی ارزنده، برجسته و سرنوشت‌ساز به همراه داشت.

وزارت امور خارجه شاه در نامه‌ای به ساواک یک مورد از اخبار یکی از روزنامه‌های خارجی پیرامون رویداد قم را چنین گزارش کرده است:

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۰.

... روزنامه *TAGES-ANZEIGER* در شماره ۱۱ ژوئن ۱۹۷۵ خود در خبری از تهران می‌نویسد که طبق گزارشات روزنامه‌های تهران دانشجویان رشته علوم دینی در شهر قم در هفته گذشته تظاهرات شدیدی بر علیه دولت به عمل آورده‌اند و تظاهرکنندگان از طرف قوای انتظامی دستگیر و روانه زندان گردیده‌اند که به زودی در دادگاه محاکمه می‌شوند. بریده روزنامه برای ملاحظه به پیوست ارسال می‌گردد...







حماسه خونین فیضیه هیمنه شاه را در هم شکست و به ملت ایران نمایاند که می‌توان آشکارا رویاروی شاه ایستاد و با شعار مرگ بر شاه سرنگونی رژیم او را فریاد زد. مردم از خیزش فیضیه درس گرفتند، جرأت یافتند، پیش آمدند. دیری نپایید که شعار فرزندان خمینی در فیضیه شعاری همگانی و فراگیر شد و در سراسر ایران طنین افکند و انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد. از این رو، باید گفت حماسه آفرینان فیضیه، طلایه‌داران و پیشقراولان انقلاب سال ۵۷ بودند.

در پایان به بخشی از اعلامیه حوزه علمیه قم که در سالروز فاجعه ۱۷ خرداد، در سال ۱۳۵۵ انتشار یافته است، اشاره می‌کنیم:

... یک سال است که از حوادث روزهای پانزدهم و شانزدهم و هفدهم خرداد ۵۴ (دوازدهمین سالگرد کشتار بی‌رحمانه ۱۵ خرداد ۴۲ توسط رژیم جلاد شاه) می‌گذرد. حوادثی که - برخلاف همه تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی حوزه روحانیت که آن را یک شورش ماجراجویانه توصیف می‌کردند - کاملاً از مواضع ضد طاغوتی، ضد سلطنتی، ضد اشرافیت اسلام ریشه می‌گرفت...<sup>۱</sup>

این اعلامیه از یورش وحشیانه پلیس و ساواک به مدرسه‌های حجتیه و آیت‌الله بروجردی و حقانی در تاریخ ۵ خرداد ماه ۵۵ خبر داده است که پس از جست‌وجو و بازرسی حجره‌ها، ۳۵ نفر از طلاب مدرسه بروجردی و ۱۱ نفر از طلاب مدرسه حقانی را دستگیر می‌کنند. این خودکامگی و قانون‌شکنی نشان می‌دهد که رژیم شاه از حماسه ۱۵ خرداد ۵۴ تا چه پایه‌ای آسیب دیده، ضربه خورده و هراسان بوده است و برای پیشگیری از تکرار آن در خرداد ۵۵ به بگیر و ببند و ایجاد جو پلیسی در حوزه قم دست زده است، تا از تکرار حماسه ۱۷ خرداد ۵۴ پیشگیری کند اما متعاقب این قیام، طوفان طوفنده انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ از راه رسید و بنیادهای نظام ظلم و فساد شاهنشاهی را از هم گسیخت.

۱. رک: آرشیو اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.